

گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره اعدام و شکنجه در ایران

خلق در درگیری با پاسداران و سایر نیروهای سرکوبگر رژیم، چه در کردستان و چه در سایر مناطق کشورمان کشته شده‌اند. این همه را گزارش کمیسیون حقوق بشر در بر نمی‌گیرد. از این رو شمار قربانیان رژیم در عرصه سرکوب داخلی، بسیار بیش از ۷ هزار تن است. اما خود این رقم نیز که از جانب یک مرجع رسمی بین المللی اعلام شده است، داغ ننگ بر پیشانی جمهوری اسلامی می‌کوبد.

اعدام‌های ساختگی، لازم به توضیح است گزارش مزبور تنها شامل مواردی از اعدام زندانیان سیاسی می‌گردد که با نام و نشان زندانی به اطلاع کمیسیون حقوق بشر رسیده است. شمار بسیاری از زندانیان سیاسی ایران در زیر شکنجه‌های وحشیانه دژخیمان رژیم جان باخته‌اند. بسیاری دیگر، اعدام شده‌اند بی‌آنکه خبری در این باره به بستگانشان برسد. همچنین، هزاران تن از بهترین فرزندان

رینالدو و گالیندر پول، نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد طی گزارشی که هفته گذشته در ژنو انتشار یافت، اعلام کرد در فاصله ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵ (شش سال نخست پس از به قدرت رسیدن رژیم خمینی) در ایران ۷ هزار تن اعدام شده‌اند. در گزارش پول، ۶۴ نوع شکنجه که در سایه‌چانه‌های رژیم فقها اعمال می‌گردد، برشمرده شده است. از آن جمله‌اند شوک الکتریکی و

اکتبر

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکتربیت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۶۵ برابر ۱۶ فوریه ۱۹۸۷

به ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۴۵

شهرها: تابلوی خون گرفته‌ای از جنازه و آوار و آوارگی

* خمینی جلالت: از زیر آوارها درآید و فریاد جنگ، جنگ تا نابودی برده‌ها!

دانش آموزان در آتش کین دورژیم جنایتکار

بماداد که فرزند دانش آموزت راهی مدرسه شد، بازگشتش را به خانه، اگر تا آن هنگام خانه‌ای مانده باشد، باید موهبتی بدانی. مرگ درهیات هواپیماهای صدام حسین در آسمان ویابندگان میزم تنور جنگ امریمنی خمینی در زمین به کیمین جانش نشسته‌اند. یکی جنایتکارانه بر سرش بسبب می‌افکند دیگری می‌خواهد بفریبند یا بر بایدهش و او را به مسلخ جنگی بکشاند که جنایتکارانه بر تداوم آن پای می‌فشارد. بر کارنامه این مردوجانی، خمینی و صدام حسین در روزهای اخیر، در کشتار دانش آموزان ما صفحات خونین تازه‌ای افزوده شده است.

ابتدا جنایات خمینی را در این روزها در این زمینه بر شماریم که تداوم جنگ را خواهان است. در روز ۸ بهمن مسئولان ستاد جنگ آموزش و پرورش استان تهران در حسینیه ارشاد گرد آمدند تا راه تازه‌ای را برای کشتن دانش آموزان ما بیاندیشند. آنها اعلام کردند که در روزهای ۱۲ تا ۲۲ بهمن که آنرا دهه فجر نام نهاده‌اند ۲۲ گردان دانش آموزی به جبهه‌ها اعزام خواهند شد. ۱۲ روز قبل از این گردهمایی، در اوج کشتارهای عملیات کربلا آموزش و پرورش طی اطلاعیه‌ای دستور داد: "برای تداوم عملیات پیروزمندان اسلام... کلیه فرهنگیان و دانش آموزان به صفوف سپاهیان مجید بپیوندند."

همانگونه که در نامه سازمان دانشجویان پیشگام بقیه در صفحه ۱۲

لطف ساختمان دوید و سوخت و جزغاله شد. ۶۸ تن در دم جان سپردند و بقیه در بیمارستان چند جنازه پیدا شد؟ ده تا، بیست تا، صد تا، دویست تا، سیصد تا... این دست روی دیوار مال کیست؟ این پا از چه کسی به جا مانده؟ این مغز کیست که اینجا کنار حیاط متلاشی شده؟...

مادری که هر روز دست دخترت را از مدرسه ما گرفت زبانه خانه می‌بزدی! امروز فقط دستهای بقیه در صفحه ۱۲

غریب و باقی مانده سفره‌های نان نیمروز یا نهار مخلوط با خون. تکه تکه جای پای خون... دانش آموزان را می‌بینم که هراسان هستند. این چادر حتما مال دختری بوده که آن گوشه روی زمین افتاد و دیگر بر نخاست. این سفره نان مال آن دیگری بوده که می‌گفتند در حیاط مدرسه به خون نشست. این کتابهای آن یکی که گوشه حیاط از ترس مرگ چمباتمه زد و دیگر کمر راست نکرد. هان این کاموای آن دختری است که به

آنچه که در عکس این صفحه می‌بینید بازمانده یک مدرسه دخترانه در میانه پس از بمباران است. از میاموری دانش آموزان که از زندگی و شور نوجوانی حکایت داشت - خبری نیست. این سو و آن سو جنازه افتاده است. در کف حیاط مدرسه تکه‌هایی از چادرهای سیاه مشاهده می‌شود. ساختمان مدرسه فرو ریخته است. سقف کلاسها از هم شکافته شده و باز مانده‌اند، همچون دهان یک مرده. گزارشگر روزنامه کیهان، مشاهدات خود از این مدرسه دخترانه خونین و ویران شده را چنین شرح می‌دهد: "مدرسه در نداد و دیوارها شکسته و فرو ریخته است. دیوار روی در، در روی دیوار. باید از تزلزل خاک و در آهنگی کنار مدرسه وارد شد. حیاط مدرسه غوغایی است. نیمی از حیاط سوخته و نیمی دیگر... مغزهای پریشان، دسته دسته موه دیوار مملو از پوست انسان، دهها چادر خون‌آلود، کتابهای نیمه سوخته، نیمه خونین، کیف‌های



سوئد: قتل برای جلوگیری از افشای جزئیات فروش اسلحه به ایران

شرکت مزبور با رژیم خمینی تحقیقات به عمل آورد. پس از انتشار گزارش اکسپرس، کلاس اولریک و ینبرگ رئیس شرکت بوفوروش ناچار به کناره‌گیری از سمت خود در اتحادیه کارفرمایان سوئد شد. در آن هنگام، فاش گردید که بوفوروش برای لاپوشانی معامله خود با ایران موشکها را از طریق سنگاپور به جمهوری اسلامی فرستاده است.

لازم به توضیح است که در دهه ۸۰- سنگاپور بزرگترین خریدار اسلحه از سوئد بوده است. سوئد یکی از ۱۰ کشور بزرگ بقیه در صفحه ۲

ریاست "کمیته بازرسی تسلیحات" سوئد را بر عهده داشت. این کمیته، یک نهاد وابسته به وزارت خارجه سوئد است که وظیفه دارد از صدور تسلیحات ساخت این کشور به دولت‌های درگیر جنگ و دولت‌های نافرمان حقوق بشر جلوگیری کند. از حدود یک سال و نیم پیش که خبری حاکی از معامله شرکت بزرگ اسلحه‌سازی سوئدی بنام بوفوروش با جمهوری اسلامی بر سر تحویل ۴۰۰ موشک "آر-بی-اس ۷۰" در مجله فرانسوی اکسپرس به چاپ رسید، کمیته نامبرده موظف گردید در باره مناسبات پنهان

بازرس مسئول تحقیق بهرامون معاملات تسلیحاتی شرکت بوفوروش با جمهوری اسلامی زیر چرخهای قطار کشته شد. استکلهم، ساعت ۵ عصر پنجشنبه ۱۵ ژانویه. ایستگاههای مترو مملو از جمعیت است. همه از سرکار به خانه برمی‌گردند. در یکی از ایستگاهها، ناگهان زنی فریاد می‌کشد: "هلش دادند." لحظاتی بعد، همه با صحنه‌ای دهشتناک روبرو می‌شوند. مردی به زیر چرخهای قطار افتاده و له شده است. کارل فردریک الکترون، که بدین گوشه کشته شد، سالها

در این شماره

بیانیه مشترک سازمان فدائیان خلق ایران (اکتربیت) و جبهه آزادی بخش ملی بحرین

در صفحه ۲

افغانستان صلح می‌خواهد

در صفحه ۱۴

آملای تیرهای فراوان شد. تو بمان

شعری از رضامه صدی در صفحه ۲

هفتاد و هفتمین سال اکتبر: انقلاب اندام دارد

در صفحات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰

سوئد: قتل برای جلوگیری از...

بقیه از صفحه اول

می‌گیرد". روزنامه آفتون بلادت می‌نویسد "یک منبع در سطح مقامات عالی" شرکت بوفورس را در جریان بازرسی در شرف انجام آسوی مقامات دولتی گذاشته است. هنگامی که بازرسان گمرک سوئد پس از دریافت اطلاعاتی از جانب گمرک آلمان فدرال مبنی بر قاچاق اسلحه توسط بوفورس به مقصد ایران به شرکت مزبور مراجعه کردند، اثری از مدارک مربوطه باقی نمانده بود. گمرک سوئد در موارد دیگری نیز این برداشت را داشته است که شرکت بوفورس از پیش در جریان اقدامات گمرک بوده و "پاسخ‌های مناسبی" در برابر پرسشهای بازرسان گمرک ارائه داده است. بدین ترتیب یک "مقام عالی" در پاک کردن ردپای بوفورس کمک کرده است.

روزنامه "شفق شمالی" ارکان حزب کمونیست کارگری سوئد با ذکر موارد فوق می‌پرسد: "این سؤال مطرح می‌شود که آیا همه واقعات در باره معاملات تسلیحاتی بوفورس هرگز آشکار خواهد گردید؟ به ویژه آنکه اکنون دیگر یکی از شاهدان اصلی این ماجرا یعنی کارل الکترون، بازرسان تجهیزات نظامی دیگر زنده نیست." در روزهای نخست پس از حادثه کشته شدن الکترون، سه شاهد عینی خود را به پلیس معرفی کرده و اظهار داشتند الکترون به عمد تنه خورده و به زیر چرخهای قطار متروی استکهلم افتاده است. یکی از ناظران قتل الکترون می‌گوید دودست بر پشت کمر الکترون به روی ریل قطار افتاد. هیچ ردی از قاتل الکترون به دست نیامده است.

روزنامه "شفق شمالی" می‌نویسد: "امکان دارد نیروهایی وجود داشته باشند که بخواهند با از بین بردن الکترون از فاش شدن واقعات جلوگیری کنند. جان بک انسان چیزی نیست که صنایع نظامی اهمیتی برای آن قائل شوند." شرکت بوفورس اعلام کرده است بازرسان قبلی تجهیزات نظامی و اولاف پالنه نخست وزیر مقتول سوئد که هر دو دیگر در شمار زندگان نیستند، از معاملات تسلیحاتی این شرکت که اکنون موضوع تحقیقات است، با خبر بوده‌اند. اگر این امر صحت داشته باشد، تحقیقات دادستان در صورت به نتیجه رسیدن، دامن

صادر کننده اسلحه در جهان است. با توجه به اینکه سنگاپور تنها از یک شهر تشکیل شده، این حجم وسیع اسلحه صادراتی از سوئد بدون تردید در سنگاپور نمی‌ماند. روزنامه "آفتون بلادت" در شماره چهارشنبه ۲۸ ژانویه خود مواردی از فروش سلاحهای بوفورس به ایران، عراق، بحرین، امارات متحده عربی و تایلند را که همگی با نقض قوانین سوئد صورت گرفته است، گزارش کرد. بسیاری موارد از این صادرات اسلحه از طریق سنگاپور انجام شده است.

در سوم دسامبر ۱۹۸۵، "انجمن هواداران صلح و عدم تجاوز" در سوئد علیه شرکت بوفورس به دلیل فروش اسلحه به ایران اقامه دعوی کرد. در آن هنگام، اعلام گردید که موشکهای "آر-بی-اس ۷۰" احتمالاً در ژوئیه ۱۹۸۵ به جمهوری اسلامی تحویل داده شده‌اند.



یک مورد از تجهیزات ارسالی سوئد به ایران

همچنین شرکت "نوبل شیمی" که وابسته به بوفورس است، بطور مستمر باروت و مواد منفجره به مقصد ایران صادر کرده است. تاکنون چند محموله باروت نوبل که برای جمهوری اسلامی بارگیری شده بود در سوئد و آلمان فدرال ضبط گردیده است. مطبوعات سوئد می‌نویسند کارل فردریک الکترون که قربانی حادثه ۱۵ ژانویه استکهلم گردید، در جریان بسیاری از امور مربوط به صادرات اسلحه سوئد و از جمله معاملات بوفورس با ایران قرار داشت. روزنامه "داگستر نی هیتز" که پر تیراژترین روزنامه سوئد است، در ۲۴ ژانویه نوشت در صورت اثبات عدی بودن قتل الکترون، این ماجرا "جنبه‌های سیاسی - امنیتی به خود

برونده جنایات حکومت خمینی آنچنان کج می‌یافته است که دیگر هر روز یادآور و سالگرد چندین فاجعه و ددمنشی است. در این میان برخی از روزها برجستگی ویژه‌ای دارند، چرا که به عرصه‌ای از مبارزه و مقاومت گره خورده‌گی خاصی یافته‌اند. روز ۲۹ بهمن چنین روزی است. این روز که یادآور کشته شدن رفقا شهرمحمد درخشنده توماج، طواق محمد واحدی، عبدالحمید مختوم و حسین جرجانی به دست عوامل جانی رژیم خمینی در هفتاد سال پیش است، با نام و مبارزات خلق ترکمن عجین شده است. این رفقا را از آثر و کشتند که مفهوم "شورا" را به خلق خود آموخته بودند و دست در دست دهقانان زحمتکش ترکمن می‌خواستند به انقلاب درکالبد شورا، ادامه حیات ببخشند. یاد آنان همواره گرامی است. دهقان ترکمنی آن هنگام که خبش در خاک فرو می‌کند به شورا می‌اندیشد و شورا نام این فدائیان آگاه و دلیر را در ذهنش تداعی می‌کند.

آماج تیرهای فراوان شد. توماج

آماج تیرهای فراوان شد، توماج
آماج تیرهای فراوان شدند
رزمندگان خلق
در موسم ترانه و گل چیدن
در روزهای فصل شگفتن
در لحظه‌یی که جنبش "شوراما"
می‌رفت تا حماسه مردم را
پر بارتر کند.
وقتی سرود سبز شگفتن
با جان "جرجانی" و "مختوم"
با هستی مبارک "توماج"،
با "طواق"
پیوند عاشقانه‌یی می‌بندد
بر آسمان آبی گنبد
نامی بزرگ می‌گذرد، از عشق
نام عزیز "شورا"
قلب جوان دشت

با سرنوشت روشن و خونینش -
می‌نامد عاشقان وطن، این بار
گندم نمی‌تواند
راه بلند و سرخ شگفتن را -
طی کند
"تایماز" *
اسطوره شهادت توماج
از مرز باستانی تاریخ، در گذشت
بر مادت، عروس عروسان،
برخوان
آواز و سپیدی گندم را.
رضاملا صدی
* نام پسر توماج

پناهنده پذیرفته شده‌اند و از کمک هزینه و خدمات دیگر دفتر استفاده می‌نمایند. در چند ماه اخیر، دفتر اموری پناهندگان به بهانه‌های واهی، از جمله "فرار از خدمت سربازی" از پذیرش تمامی آوارگانی که وارد پاکستان می‌شوند، سرباز می‌زند. در پاکستان، پناهندگان و آوارگان ایرانی در کنار مشکلات متعددی که دارند، همواره با یورش پلیس رژیم ارتجاعی پاکستان نیز مواجه هستند. تهدیدات و رفتار فاشیستی دولتهای ارتجاعی ترکیه و پاکستان در قبال پناهندگان ایرانی، که با همدستی رژیم جنایتکار خمینی صورت می‌گیرد، در مواردی تا حد استرداد پناهندگان به جمهوری اسلامی پیش می‌رود. با افشای وسیع جنایات خمینی و همدستی تبهکارانه دولتهای ارتجاعی ترکیه و پاکستان با جمهوری اسلامی و با اقدام متحد پناهندگان و مهاجرین ایرانی با تضییقات فزاینده مقابله باید کرد.

تحصن پناهندگان ایرانی

بقیه از صفحه آخر
۴- تسریع در امر مهاجرت پناهندگان بمشابه یکی از راه‌های حفظ امنیت آنها
۵- قبول حق پناهندگی برای سربازان فراری از ایران توسط دفتر امور پناهندگان سازمان ملل.
در پی تحصن متحد ایرانیان، دفتر امور پناهندگان سازمان ملل مجبور شد به پلیس پاکستان، فشار آورد که در پی آن کلیه دستگیرشدگان آزاد شدند و در روز چهارم تحصن با پذیرش نمایندگان متجسمنین موافقت کرد که امر مهاجرت پناهندگان را تسریع بخشد.
در شهر کراچی بنا به نوشته روزنامه‌های پاکستان، در حال حاضر حدود ۶ تا ۹ هزار پناهنده و آواره ایرانی بسر می‌برند، که از میان آنها تنها کمتر از هزار نفر توسط دفتر امور پناهندگان سازمان ملل به عنوان

جرامک فارلین مسموم شد؟

رابرت مک فارلین مشاور امنیتی اسبق ریگان رئیس جمهور آمریکا و فرستاده ویژه وی به تهران که نقش اصلی را در مذاکرات با رژیم خمینی بر عهده داشت، دوشنبه هفته گذشته به بیمارستان انتقال یافت. پلیس واشنگتن اعلام کرد مک فارلین ۲۵ الی ۳۰ قرص آرام بخش "والیوم" خورده و مسموم شده است. قرار بود مک فارلین در روز دوشنبه در برابر کمیسیون ویژه تحقیق پیرامون افتضاح "ایران کیت" حاضر شود و به سؤالیهای این کمیسیون پاسخ دهد. مک فارلین مدتی پیش اظهار داشت ریگان پیش از آغاز صدور اسلحه به ایران با این امر موافقت کرده بود، حال آنکه رئیس دفتر ریگان مدعی است رئیس جمهور آمریکا پس از ارسال اولین محموله سلاحها در جریان امر قرار گرفت.

ناظران نسبت به ادعای پلیس مبنی بر اینکه مک فارلین قصد خودکشی داشته است، ابراز تردید می کنند. قرص والیوم به تنهایی کشنده نیست. مک فارلین به احتمال قوی می خواسته است از حضور در برابر کمیسیون تحقیق خودداری کند، و یا اینکه کسان دیگری قصد جان او را کرده اند. اما به هر حال، بستری شدن مک فارلین نیز مانند "غش و ضعف" کیسی رئیس سابق سیا باعث شده است برخی جزئیات در باره بند و بست های پنهان دولت آمریکا و رژیم خمینی فاش نشود.

برخی مقامات دولتی را نیز خواهد گرفت. اما قتل الگرنون ممکن است جلوی افشای واقعیات را بگیرد.

همه شواهد حاکی از آن است که کارل الگرنون را بدین خاطر کشته اند که "زیاد می دانست". ماجرای افشای بند و بست های پنهان کاخ سفید و جماران و صدور اسلحه آمریکایی به جمهوری اسلامی، ظاهراً دست اندرکاران مناسبات مشابه در سوئد را آنچنان سراسیمه کرده که خواسته اند حتی به قیمت دست زدن به قتل، جلوی رسوایی بیشتر را بگیرند. آینده نشان خواهد داد آنها در این کار موفق خواهند شد یا نه.

بیانیه مشترک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و جبهه آزادی بخش ملی بحرین

زندگی زحمتکشان و برای آزادی زندانیان سیاسی می رزمند، تاکید نمود.

طرفین همبستگی خلل ناپذیر خود را با مبارزات خلقهای عراق و نیروهای دموکراتیک و مترقی آن کشور، به خصوص حزب برادره حزب کمونیست عراق، که علیه دیکتاتوری و ترور و برای ایجاد حکومتی ملی و دموکراتیک مبارزه می کنند ابراز داشتند. طرفین سرکوب و اعمال فشار نسبت به نیروهای میهن پرست در عربستان سعودی و عمان و فشار و تضيیقات علیه جنبش دموکراتیک در کویت را که از هنگام انحلال مجلس ملی این کشور توسط حکومت اعمال می گردد، محکوم کردند و بر ضرورت تحکیم و ارتقا' سطح همکاری میان نیروهای دموکراتیک در کشورهای منطقه برای مقابله علیه نقشها و توطئه های امپریالیسم و ارتجاع (که پیمان نظامی - امنیتی و منطقه ای شورای همکاری خلیج که در خدمت اهداف استراتژیک امپریالیسم در منطقه قرار دارد از آن جمله است) تاکید کردند.

بهنگام بحث و تبادل نظر درباره اوضاع منطقه عربی خاورمیانه، هر دو طرف ضمن تاکید بر حق خلق فلسطین در تعیین سرنوشت خویش، پشتیبانی خود را از مبارزات راهی بخش خلق فلسطین به خاطر داشتن کشوری مستقل و ایجاد حکومتی ملی اعلام نمودند. همچنین کوشش در جهت اعاده وحدت در سازمان آزادیبخش فلسطین بر اساس شی ملی و ضد امپریالیستی و تلاش برای خنثی کردن نقشه های امپریالیستی و تسلیم طلبانه را مورد تایید و تاکید قرار دادند.

طرفین فشارها و توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم، علیه سوریه را محکوم کرده و از مبارزات ملت و دولت سوریه علیه امپریالیست و صهیونیستها حمایت کردند، هر دو طرف پشتیبانی خود را از مبارزات دلیرانه مردم و جبهه مقاومت ملی لبنان، علیه اخراج صهیونیستها از اشغالگر از میهن خویش اعلام داشتند. همچنین مردوسازمان همبستگی خود را با رژیم مترقی در جمهوری دموکراتیک یمن اعلام کردند.

بهنگام بحث و تبادل نظر در مورد اوضاع جهان طرفین پشتیبانی خود را از پیشنهاد های صلح جویانه اتحاد شوروی در جهت تشنج زدائی و عادی سازی مناسبات بین المللی که از جمله در ملاقات رهبران اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا در ریکیاویک ارائه شد، همچنین پیشنهاد های مسئولانه اتحاد شوروی در مورد امنیت آسیا و تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح و همزیستی مسالمت آمیز که در هنگام بازدید رفیق میخائیل گورباچف از هند مورد تاکید قرار گرفت، اعلام نمودند.

همچنین طرفین بر ضرورت دفاع از صلح جهانی و مبارزه علیه تهدیدات و تجاوزات محافل ارتجاعی و جنگ افروز امپریالیستی، بعنوان وظیفه مهم تمامی نیروهای انقلابی و ترقیخواه منطقه و جهان تاکید کردند.

جبهه آزادیبخش ملی بحرین و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، همبستگی عمیق خود را با جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام کرده و نقشها و توطئه های امپریالیستها و حکومت های پاکستان، ایران و عربستان سعودی، علیه انقلاب و مردم افغانستان را محکوم نمودند.

هر دو طرف با مبارزات نیروهای ملی و دموکراتیک در پاکستان و ترکیه که علیه ترور و اختناق و بخاطر دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مبارزه می کنند اعلام همبستگی کردند. طرفین همبستگی خود را با مبارزات خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به خصوص خلقها و نیروهای میهن پرست در آفریقای جنوبی، السالوادور شیلی و نیکاراگوئه اعلام داشتند.

هر دو طرف موافقت خود را جهت تحکیم هر چه بیشتر رابطه برادرانه، ادامه ملاقاتها و پیگیری مشاوره و تبادل تجارب اعلام کردند و از واحدها و سازمانهای خود در مناطق مختلف دعوت نمودند تا در جهت گسترش اشکال همکاری های متقابل، اقدام نمایند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
جبهه آزادیبخش ملی بحرین
نیمه دوم ژانویه ۱۹۸۷

طی ملاقاتی که بین هیات های نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و جبهه آزادیبخش ملی بحرین صورت پذیرفت طرفین در فضایی رفیقانه و گرم بر اهداف مبارزاتی مشترک خود و خلقهای ایران و بحرین در نبرد علیه امپریالیسم و ارتجاع و بخاطر دموکراسی و ترقی اجتماعی و مبارزه در راه تبدیل منطقه خلیج به منطقه صلح و عاری از حضور امپریالیستها تاکید کردند. طرفین موافقت نمودند که در جهت گسترش مناسبات برادرانه خود برای تحقق اهدافی که با آماج های کلیه نیروهای مترقی دموکراتیک در منطقه خلیج انطباق دارد، تلاش نمایند.

در این ملاقات هیات نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به تشریح اوضاع ایران و مبارزات سازمان و سایر نیروهای سیاسی کشور که بخاطر صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی می رزمند پرداخت. همچنین اقدامات سرکوبگرانه و خونین اخیر رژیم ایران علیه سازمانهای مترقی و بازداشت و شکنجه یکپارچه فدائی خلق طی ماههای ژوئیه، اوت و سپتامبر ۸۶ را افشا نمود و نسبت به خطری که جان فدائیان خلق در شکنجه گاههای رژیم ایران را تهدید می کند ابراز نگرانی نمود. شرایط کنونی کشور مورد بررسی قرار گرفت و مصائب ناشی از شدت گیری و گسترش جنگ ایران و عراق که مفت پال از آغاز آن می گذرد و کشتار وحشیانه هزاران انسان بی گناه، بر سرده شد. هیات نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعلام داشت، ادامه جنگ خانمانسوز که تاکنون صدها هزار نفر از فرزندان بی گناه خلقهای ایران و عراق در آن به هلاکت رسیده اند، به امپریالیسم آمریکا بهانه داده است تا حضور نظامی مستقیم خود در کشورها و آبهای منطقه را افزایش دهد. ادامه جنگ به تحکیم مواضع و گرایشهای ارتجاعی و دست راستی در در کشور انجامیده است. دست رژیمهای ارتجاعی منطقه در ایجاد پیمانهای نظامی - امنیتی و اعمال سرکوب و اختناق علیه نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه در کشورهای شورای همکاری خلیج را باز نموده است.

طرفین ادامه جنگ و تلاشها و تدارکات رژیم ایران برای گسترش آن و تصرف خاک عراق، همچنین بمبارانهای وحشیانه شهرها و روستاهای دو کشور و کشتار هزاران انسان بی گناه توسط رژیمهای ایران و عراق و ایجاد تشنج و وضعی خطرناک در منطقه را محکوم می نمایند. طرفین بر این اعتقادند که باید تلاشهایی همه جانبه از سوی نیروهای صلح دوست و ترقی خواه جهان برای قطع فوری جنگ و حل و فصل اختلافات به طریق مسالمت آمیز و عادلانه، با احترام به استقلال و تمامیت ارضی دو کشور و تضمین اراده خلقهای ایران و عراق در انتخاب نظامهای اجتماعی و سیاسی دلخواه خود سازمان یابد.

امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه خواهان ادامه جنگ ایران و عراق هستند و به طرق گوناگون طرفین درگیر رابه تداوم جنگ و خونریزی تشویق و تحریک می کنند. قرار داد های تسلیحاتی افشا شده، بین رژیم ایران، آمریکا و اسرائیل که بعضی از رژیمهای ارتجاعی منطقه در آن نقش فعال داشته اند، با هدف تداوم جنگ و تحکیم و تثبیت موقعیت امپریالیسم آمریکا در منطقه و ایران صورت پذیرفته است.

هیات نمایندگی جبهه آزادیبخش ملی بحرین همبستگی رزمجویانه خود را با مبارزات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران و کلیه نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه ایران که علیه اختناق و سرکوب و بخاطر دموکراسی و ترقی اجتماعی می رزمند اعلام داشت.

در این دیدار هیات نمایندگی جبهه آزادیبخش ملی بحرین به توضیح اوضاع این کشور پرداخت و اطلاعاتی روشن از دستگیریهایی وسیع اخیر شکنجه و کشتار مبارزین جبهه آزادیبخش ملی بحرین و سایر نیروهای ملی آیزویسیون در بحرین، تشکیل داد گامهای فرمایشی و صدور احکام جابرانه و نبودن هیچ تأمین قانونی برای دستگیر شدگان ارائه کرد.

هیات ایرانی پریشیبانی از مبارزات جبهه آزادیبخش ملی بحرین و کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک در بحرین که علیه حضور نظامی امپریالیسم در کشور خود و بخاطر دموکراسی، بهبود سطح

دیدار مقامات جمهوری اسلامی با نخست وزیر ژاپن

اطلاعات ۱۶ بهمن - محمد جواد لاریجانی معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی که در راس هیاتی به ژاپن سفر کرده است با "ياسوهيرو ناکاسونه" نخست وزیر ژاپن و "کورائاری" وزیر امور خارجه آن کشور دیدار و گفتگو کرد. معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی حامل دو پیام از سوی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ولایتی وزیر امور خارجه برای مقامات ژاپنی بود. در هر دو پیام گزارش وضعیت جنگ ارائه شده است. در پیام ولایتی که به وزیر امور خارجه ژاپن تحویل گردیده است، آخرین تحولات جبهه‌های جنگ و مواضع جمهوری اسلامی پیرامون آن تشریح و اعلام شده است. ولایتی در پیام خود "با تشریح توسعه روابط دو کشور اظهار امیدواری نمود که با تشکیل کمیسیون مشترک دو کشور، روابط دو جانبه تقویت و تحکیم یابد."

"ناکاسونه" نخست وزیر ژاپن نیز در دیدار خود با لاریجانی اعلام کرد "ژاپن قویا خواهان توسعه روابط خود با ایران در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است."

باید خاطر نشان ساخت که بر اساس اطلاعات منتشره و هم چنین سخنان پیشین مسئولین جمهوری اسلامی و از جمله مصاحبه رفسنجانی با خبرنگار سی.بی.اس آمریکا ژاپن در بهبود مناسبات جمهوری اسلامی و آمریکا نقش ویژه ای ایفا می کند.

بهای نفت افزایش یافته

اطلاعات ۱۴ بهمن - آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی در گفتگویی با واحد مرکزی خبر جمهوری اسلامی اعلام کرد که رژیم از اول فوریه معاملات نفتی خود را بر اساس بهای رسمی صورت می دهد. بر اساس تصمیمات آخرین اجلاس وزیران نفت اوپک، کشورهای عضو موظف هستند، نفت خود را با قیمت رسمی ۱۸ دلار برای هر بشکه به فروش رسانند و سقف تولید ۱۵/۸ میلیون بشکه ای اوپک را رعایت کنند. وزیر نفت جمهوری اسلامی اظهار امیدواری کرد که مساله اضافه تولید نفت دومی با دخالت رئیس امارات متحده عربی حل شود. پیش از این وزیر نفت نیجریه که ریاست اوپک را برعهده دارد، اعلام کرده بود که دومی بیش از سهمیه تعیین شده از سوی اجلاس پیشین نفت تولید و عرضه می کند.

آقازاده امکان کاهش بهای نفت در تابستان آینده را رد کرد و گفت: "کاهش ذخایر نفت در کشورهای مصرف کننده که ناشی از برداشت روزانه ۲ میلیون بشکه از این ذخایر در فصل زمستان است، از فشار بر قیمتها در تابستان جلوگیری خواهد کرد."

بنا به گزارش روزنامه اطلاعات ۱۹ بهمن، بهای نفت خام در بازار آزاد افزایش یافته است. بهای نفت خام دومی، نفت خام "برنت" دریای شمال و نفت خام سبک "وست تگزاس اینتر میدیت" به ترتیب به ۱۶/۸۵ دلار، ۱۷/۹۵ دلار و ۱۸/۵۸ دلار به ازای هر بشکه رسیده است که افزایشی معادل ۱۵ تا ۲۲ سنت در هر بشکه داشته است.

گزارش نظامی جمهوری اسلامی به ترکیه گزارش نظامی ترکیه به آمریکا

جنگ ایران و عراق و تحولات جاری منطقه مهم ترین بخش مذاکراتش را با مقامات آمریکایی به خود اختصاص داده است.

به گزارش خبرگزاری آلمان فدرال، تورگوت اوزال در ملاقات با ریگان رئیس جمهوری آمریکا گفته است که ترکیه ضمن استقبال از مناسبات آمریکا و جمهوری اسلامی، میتواند بعنوان عامل موثری در روند عادی سازی مناسبات آمریکا با جمهوری اسلامی نقش ایفا کند.

از سوی دیگر خبرگزاری جمهوری اسلامی از آنکارا گزارش داد که اخیرا ایالات متحده تعداد جنگنده های اف - ۱۱۱ خود را در پایگاه "اینچرلیک" ترکیه افزایش داده است. بدین ترتیب تعداد جنگنده های اف - ۱۱۱ آمریکا در این پایگاه به ۲۸ فروند رسیده است. بنابراین گزارش، جنگنده های اف - ۱۱۱ و اف - ۱۶ آمریکا، در روزهای اخیر از پایگاه "اوپ برمی فورد" انگلستان و "تروژن" اسپانیا به پایگاه "اینچرلیک" ترکیه منتقل شده اند.

باید خاطر نشان ساخت که پایگاه اینچرلیک در ایالت ادانای ترکیه واقع شده و بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در شرق دریای مدیترانه محسوب می شود. روزنامه حریت چاپ ترکیه، علت افزایش تعداد جنگنده های اف - ۱۱۱ آمریکا در پایگاه اینچرلیک ترکیه را، تحولات اخیر جبهه های جنگ ایران و عراق عنوان کرده است.

بدنبال سفر غیر مترقبه معیری معاون سیاسی میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی به ترکیه و ملاقات وی با "تورگوت اوزال" نخست وزیر ترکیه، اوزال عازم واشنگتن شد. معیری طی یک مصاحبه مطبوعاتی در آنکارا فاش ساخته بود که هدف سفر وی به ترکیه، ارائه گزارشی نظامی به مقامات آن کشور بوده است. وی چنین اظهار داشته بود که: "سفر وی به واسطه تحولات ویژه ای که در جبهه های جنگ عراق با ایران بوجود آمده صورت گرفته است و در ملاقاتهایش این موضوع را نیز مورد تاکید قرار داده است که عملیات رزمندگان اسلام در آینده نیز ادامه خواهد داشت و احتمال به وجود آمدن تغییرات مهمی در اوضاع جبهه ها وجود دارد و لازم است که مقامات دولت آنکارا در جریان آخرین تحولات منطقه باشند."

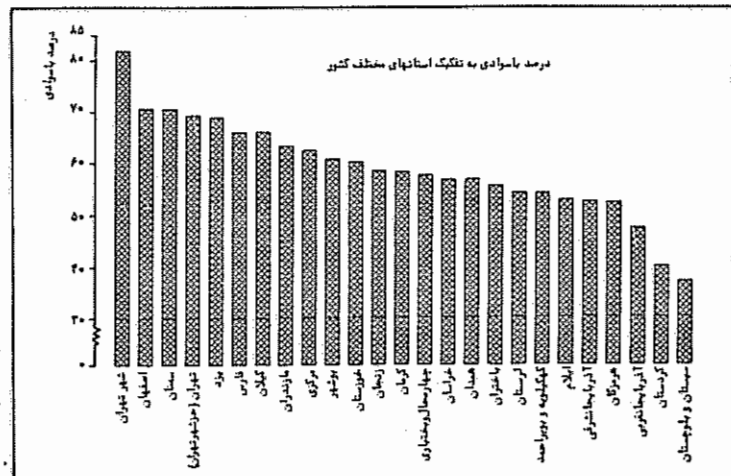
معیری معاون سیاسی نخست وزیر طی اقامت خود در ترکیه با تورگوت اوزال نخست وزیر این کشور و مصطفی تی ناز تی تیز" مشاور امور اقتصادی و مسئول مناسبات اقتصادی با ایران در کابینه اوزال ملاقات کرده و پیام ویژه میرحسین موسوی را به نخست وزیر ترکیه تسلیم نمود.

تورگوت اوزال چند روز پس از دیدار با معاون سیاسی نخست وزیر جمهوری اسلامی، روز شنبه ۱۸ بهمن ماه به منظور مذاکره با مقامات آمریکا، راهی واشنگتن شد. بنا به گزارش روزنامه کیهان ۲۰ بهمن ماه اوزال پس از ملاقات با وزرای خارجه و دفاع آمریکا در واشنگتن به خبرنگاران گفت: "موضوع

بگ شپوه مبارزه با بیسوادی

جمهوری اسلامی در مورد چگونگی "ریشه کن کردن" بیسوادی، طرح زیر را پیشنهاد می کند. بر اساس این طرح "اگر رشد جمعیت به روال قبلی ادامه یابد و رشد بسواد می هم به همین ترتیب سیر کند در ۱۵ سال آینده جمعیت کل کشور به ۸۵ میلیون و جمعیت ۶ ساله و بالاتر به ۶۵ میلیون خواهد رسید." بدین ترتیب جمهوری اسلامی در نظر دارد که بعد از ۱۵ سال و پس از مردن جمعیت بیسواد کشور، "بیسواد ی در کشور ریشه کن شود."

روزنامه رسالت ۹ بهمن ماه در مقاله ای تحت عنوان "نگاهی به یافته های مقدماتی سرشماری عمومی نفوس و مسکن"، نتایج پیرامون وضعیت سواد و نحوه توزیع جغرافیائی بسوادان کشور ارائه می دهد. گرچه به نمودارها و آمار و داده های رسمی و دولتی نمیتوان اعتماد کرد، اما همین آمار و داده ها نیز میتواند افشاگر عملکرد سیاه جمهوری اسلامی در عرصه های اجتماعی تلقی گردد. بر اساس آمار ارائه شده در این مقاله، از جمعیت بیش از ۴۸ میلیون نفری کشور، تنها ۲۲ میلیون و ۱۸۱ هزار نفر بسواد



هستند. در نمودار ارائه شده از سوی مرکز سرشماری عمومی نفوس و مسکن که عینا کلیشه شده است، می توان درصد توزیع بسوادان کشور را ملاحظه کرد. بر اساس این نمودار، تعداد بی سوادان در نقاط دور افتاده کشور، فوق العاده زیاد است.

سفر مشاور وزیر امور خارجه آلمان فدرال به ایران

کیهان هوایی ۱۵ بهمن - "شلدکیف و دیت" مشاور وزیر امور خارجه جمهوری فدرال آلمان طی سفر خود به ایران با علی آهني مدير كل سياسي اروپا و آمريکاي وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی دیدار و گفتگو کرد. مشاور وزیر امور خارجه آلمان فدرال "بر اراده قاطع دولت آلمان فدرال به ویژه پس از انتخابات اخير آلمان فدرال، در زمینه ادامه گسترش روابط فی مابین تاکید کرد" وی خواستار تشکیل کمیسیون مشترک دو کشور شد.

علی آهني نیز در این دیدار با تاکید بر "اهمیت و موقعیت استراتژیکی" ایران، سفر مقام آلمانی را در مقطع کنونی مهم ارزیابی نمود و اظهار داشت: "تصحیح موضع گیری دولت آلمان فدرال در مجامع بین المللی در قبال جمهوری اسلامی ایران می تواند به گسترش روابط دو کشور کمک کند."

باید خاطر نشان ساخت که مقامات جمهوری اسلامی پیش از این از دولت جمهوری فدرال آلمان خواسته بودند تا فعالیت نیروهای مخالف رژیم رادار آن کشور محدودتر نماید و محدودیت فعالیت سیاسی نیروهای اپوزیسیون رژیم در آلمان فدرال را نیز شرط گسترش و بسط مناسبات دو کشور اعلام کرده بودند.

بخشنامه موسوی

در رابطه با اعزام سپاه مهدی

رسالت ۱۵ بهمن - میرحسین موسوی نخست وزیر طی بخشنامه ای "کلیه وزارتخانه ها و موسسات دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و استانداریهای سراسر کشور" را به "حداکثر همیاری ممکن برای انجام هر چه گسترده تر اعزام سراسری سپاه مهدی موافق کرد." "حداکثر همیاری ممکن" نهادهای دولتی بر اساس این بخشنامه، بسیج و اعزام کارکنان دولتی و تدارکات لازم برای اعزام اعلام شده است.

در بخشنامه موسوی از اعزام سپاهیان مهدی بعنوان "اعزام سرنوشته ساز" یاد شده است. بر اساس این بخشنامه همه نهادها و دواير دولتی موافق به گزارشدهی پیرامون این اعزام شده اند و اعلام شده است که معاونت دفاعی نخست وزیر بر روند این "حداکثر همیاری ممکن" نظارت مستقیم خواهد داشت.

کمیو د بهبشتر شهر خشک کردگان

غلامحسین نیک نژاد معاون دارویی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در گفتگویی حالبوعاتی با روزنامه اطلاعات فاش ساخت که کمیو د شیر خشک در کشور ناشی از عدم تامین ارز از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی است. معاون دارویی وزارتخانه نامبرده تلویحا اعتراف کرد که اخیرا از سوی دارندگان کوبن نیمه اول بهمن برای دریافت شیر خشک اعتراضاتی صورت گرفته است. وی در مورد کمیو د شیر خشک گفت: "طی یک ماه گذشته به دلیل

اینکه بانک مرکزی ارز مورد نیاز رانندگان وسائط نقلیه باربری را واریز نکرده است، شرکت های حمل و نقل جمهوری اسلامی ایران وتی. بی. تی نتوانستند شیر خشک را از مقصد اتریش به ایران حمل کنند."

مهاجرت از کشور ادامه دارد

اطلاعات ۲۰ بهمن - گمرک جمهوری اسلامی طی گزارشی اهم فعالیت های گمرکات کشور را در ۱۰ ماهه اول سال جاری اعلام کرد. بر اساس این گزارش در ۱۰ ماهه اول سال جاری تعداد ۶۱۴۲۶۵ نفر از ایرانیان، خاک کشور را ترک کرده اند و متقابلا تعداد ۵۵۲۴۶۸ ایرانی از مسافرت های خارج از کشور بازگشته اند. بدین ترتیب تنها ظرف ۱۰ ماهه نزدیک به ۶۱ هزار ایرانی به کشور بازگشته اند. آمارهای ارائه شده پیشین گمرک نیز موید منفی بودن تعداد ایرانیان وارد شده به کشور در مقایسه با ایرانیان خارج شده از کشور می باشد. باید توجه داشت که رقم اصلی مهاجرت به خارج از کشور از رقم ارائه شده فوق بسیار بیشتر است و رقم ۶۱ هزار ایرانی اعلام شده از سوی گمرک، خیل ایرانیانی را که از راههای غیر قانونی خاک کشور را ترک کرده اند در بر نمی گیرد.

درخواست حکم اعدام

برای نماینده غیر مشهور

اطلاعات ۱۱ بهمن - مجلس شورای اسلامی بحث بر سر اعتبارنامه "سید عبدالصاحب طاهری موسوی" از حوزه انتخابیه خرمشهر و شادگان را آغاز کرد. بنا به گزارش کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی اعتبارنامه نماینده فوق الذکر، "به سبب اتهام ارتباط با سازمان خلق عرب و شیخ شیرخاقتی و نیز همراهی با هیات ۲۰ نفره اعزام شده از سوی شیخ شیرخاقتی به تهران، با تعداد ۴ رای موافق، ۴ رای مخالف و ۲ رای منتحب بدتائید اعضای کمیسیون تحقیق مجلس نرسید". نماینده کمیسیون تحقیق مجلس با اشاره به بررسی گزارش ساواک رژیم (وزارت اطلاعات)، درباره اعتبارنامه فرد نامبرو، گفت: گزارش وزارت اطلاعات، در تعداد ۱۳ ماده تهیه شده است که برخی مواد آن به قدری خطرناک است که در صورت اثبات، مرتکب به مجازات اعدام محکوم خواهد شد.

باید خاطر نشان ساخت که اعتبارنامه طاهری موسوی بالاخره در مجلس تصویب شد.

از میان دیگر رویدادها

● بر اساس نتایج مقدماتی سرشماری عمومی مسکن و نفوس، تعداد کارگاههای کشور، یک میلیون ونهصد و هشتاد و سه هزار واحد اعلام شده است. که از این تعداد حدود ۲۰ درصد کارگاهها در استان تهران قرار دارند. تعداد کارگاههای استانهای هرمزگان، بوشهر، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد نسبت به تعداد

کل کارگاههای کشور به ترتیب عبارتند از: ۱، ۹۲٪، ۵۲٪ و ۴۴٪ درصد.

● رسالت ۹ بهمن - یکی از نمایندگان مجلس در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی فاش ساخت که شرکت های دولتی "اغلب زیان ده هستند". وی اعلام کرد: "لکنون اغلب شرکت های ما قریب به ۹۰ درصد آنها تقریبا ذخاشرشان را خوردند."

● اطلاعات ۱۴ بهمن - هزاران ماهی بر اثر ورود فاضلاب صنعتی کارخانجات به رودخانه "سپاهرود" قاشمشهر تلف شدند. روزنامه فوق همچنین اعلام کرده است که عده ای ماهیان این رودخانه را برای فروش به بازار قاشمشهر و دیگر مناطق همجوار عرضه کرده اند که شدیداً احتمال مسومیت وجود دارد.

● کیهان ۱۴ بهمن - استانداری استان حکاری ترکیه در راس یک هیات قضائی جهت مذاکره در مورد مسائل مرزی وارد ارومیه شد. وی با اشاره به روابط جمهوری اسلامی و ترکیه اظهار داشت: "ماد و کشور هم کیش و همسایه هستیم و آنها تکیه می خوانند به روابط محکم و صمیمانه ما لطمه بزنند در کار خود موفق نخواهند شد."

● رادیوی دولتی ۲۰ بهمن - بجنوردی عضو شورای عالی قضائی اعلام کرد آزادی "توابین" گروه های سیاسی منوط به پذیرش توبه آنان از سوی دادستان، حاکم شرع و وزارت اطلاعات (ساواک) است.

● رادیوی دولتی ۲۵ بهمن - حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور با رهبران ۸ گروه از ضد انقلابیون افغانی مقیم ایران دیدار و گفتگو کرد. خامنه ای در این دیدار "مسئله افغانستان" را برای سرکردگان جمهوری اسلامی "حساس" نامید. وی در توجیه کارکرد تجاوزکارانه جمهوری اسلامی اظهار داشت: "ما مسئله افغانستان را مسئله خود و پیروزی آن را پیروزی خود می دانیم ونمی توانیم در مقابل آن بی تفاوت بمانیم."

● مهدی خبیری دبیر فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی، روز ۱۶ بهمن طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که بنا به دستور هیات اجرایی فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) مسابقات بین المللی "دهه فجر" برگزار نخواهد شد. بنابه قوانین فیفا کشورهای در حال جنگ، حق برگزاری مسابقات در سطح بین المللی را ندارند.

**با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید**

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

نوشته ای که در زیر می خوانید نامه ای است که توسط یکی از خوانندگان نشریه به دستمان رسیده است. در این نامه که از اراک ارسال شده، نویسنده جریان بمباران محله شان و خسارات جانی و مالی خانواده و آشنایانشان را برای یکی از بستگانش در خارج از کشور تشریح کرده است. نامه منظور بنات تاب جلوه ای از فجایع بسیارشایع اخیر، این نامه را تنها با تغییر اسمی اشخاص و حذف نام محللات به دلایل امنیتی، منعکس کرده ایم.

گزارشنامه ای از بمباران شهرها:

در جستجوی پناهگاه

بخشهایی از

نامه یکی از هواداران سازمان

"...چند روزی است که باز جنگ شدت گرفته و حملات گسترده ای در جبهه ها آغاز شده است. ابعاد کشتار در جبهه، به قدری وسیع است که آژیر آمبولانس های حامل مجروحان و کشته شدگان لحظه ای در فضای شهر خالی از سکنه قطع نمی شود. این آمبولانس ها روی "خط ویژه" بین فرودگاه و بیمارستانها در رفت و آمد هستند.

... رادیو مارش نظامی پخش می کند و گوینده آن با صدای بلند خبر از درگیریهای تن به تن در شلمچه می دهد. عراقی ها هم در جبهه میکشند و هم در شهرها. در ذرفول، اصفهان، بروجرد و ارومیه هواپیماها علاوه بر بمباران، مردم را از فاصله نزدیک به رگبار مسلسل بستند.

... بر کثرت اعتراض کنندگان علیه جنگ بازم افزوده تر می شود. کوچه و پس کوچه ها مملو از شعار صلح است. مردم از این طرف می نویسند و مزدوران سریع پاک می کنند. وهمینطور ادامه دارد. البته اسپری و رنگ به سختی کپیر می آید اما زغال سیاه و پیرنگ کرسی که هست. دیوارها را با شعار صلح پیر می کنیم. مزدوران رژیم پاره ای مواقع جوانان را هنگام ورود به اتوبوس و اماکن عمومی با زاری می کنند، تا ببینند دستهای کی سیاه و رنگی است. در دی ماه، در یکی از محلات غرب تهران، پاسداران شب هنگام، اتوبوسی را برای با زاری دستهای مسافری آن متوقف ساختند. آنان پس از با زاری، عده ای را دستگیر کرده و با خود بردند..."

توی کمد تکه و پاره شده بودند و ترکی دیگر به بشکه گازوئیل اصابت کرده بود. گازوئیلی که بعد از چهار ماه ثوبت، لبتری، ریال خریداری بودیم از بین رفت. چیزی که از آن خانه بر ایمان سالم ماند و اوزیر آوار کشیدیم بیرون، قالی بود با رختخوابها، آنها را برداشتم و رفتیم بده... از خیر مدرسه بامداد هم گذاشتم. چاره ای هم نبود. با خودم فکر می کنم تنها او که نیست مدرسه نمی رود. با این همه غصه اینکه بچه ام بی سواد می ماند، داغونم کرده است.

هواپیماها خانه سیاهش را هم زدند. خودشان خانه نبودند. همه آواره شده ایم. بیچاره بهروز زن و بچه هاش در... هستند و خودش اراک.

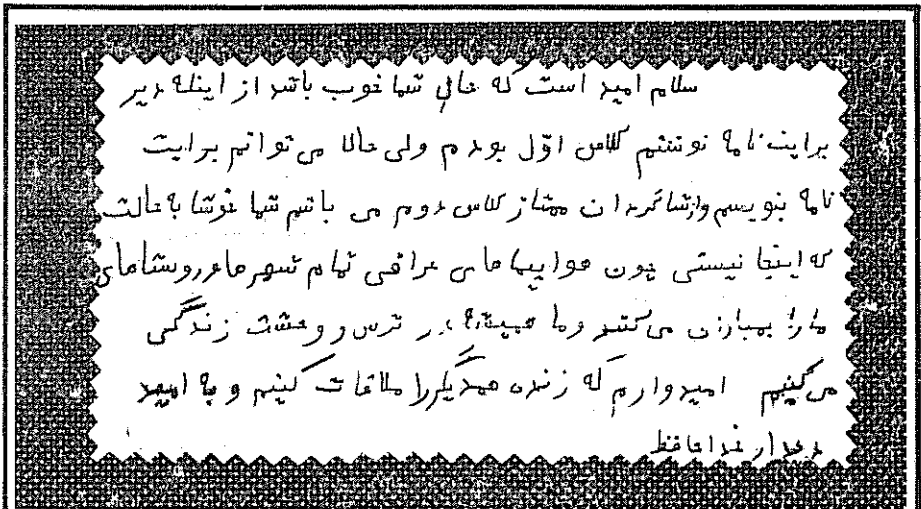
مه کسایی که از ده به شهر پناه آورده بودند، برگشتند به ده. ناهید، ناصر و امیر هم رفتند. کسی در شهر نمانده است. شهر سوت و کوراست...

فم خانه حاج ولی را زدند. شیشه خورده به پایش. الان همگی رفتند پیش ناهید و امیر. وضع خانم جمشیدی، همانکه با هم، هم مدرسه بودید از ما بدتر است. خانم صادقی از آن بدتر. و... شوهر معصومه دختر آقای عباسی هم ترکش خورد به سرش. فقط ۲۴ ساعت زنده ماند. خلاصه خیلی از آنهاهی که می شناختی با مردند و با آواره هستند. طفلک مستانه از روزی که عروسی کرده روی خوش ندیده. آمده اند به ده... همی جمعیت است که اثاثیه به دوش می آیند. مامان پیش ماست. اثاثیه اش را بسته بندی کرده تا اگر اراک را دوباره زدند، برود و بیاورد. پوران و

"...احساس اینکه سرپناهی داریم، قوت قلبیمان بود. لااقل کسی نمی دید شک خودمان و بچه ها را چطور سیر می کنیم. حالا دیگر این چهار دیواری هم نیست. ما هم پیوستیم به آوارگان. با چه خون دلی آجر روی آجر گذاشته و سقف اش را به هم آورده بودیم. در یک چشم به هم زدن ویران شد. هواپیماهای عراقی ویرانش کردند. چطور اتفاق افتاد؟ سر ظهر بود. پدر بچه ها خانه نبود و "بامداد" تازه از مدرسه برگشته بود. "روشن" را خواباندم و نشستیم پای سفره. در زدند. خانم منصوره زن همسایه بود. تعارف کردم نهار با ما باشد. و نشست. دستمان به لقمه غذا بود که فرش هواپیماها در جا میخکوبمان کرد. به سرعت از جا جستیم که پناه بگیریم. ولی کجا. روشن را که در خواب بود بغل گرفتیم. به شدت چیغ می کشید. و بامداد، ماشاالله انتکار نه انتکار که بچه است. خودم بیشتر از بچه ها دلشوره داشتم. ناسزای گفتم به صدام و به خمینی بی شرف که به این روزمان انداخت. به خانم منصوره گفتم این بار می زنند این دفعه دیگر خانه ما را می زنند. دویدیم به اتاق دیگر و پشت تلویزیون ایستادیم. بامداد گفت اینجا امن نیست من می روم زیر رختخوابها. رفت توی کمد و لحاف را کشید روی سرش. با صدای انفجار پنجره های اتاق از جا کنده شد و تلویزیون پرت شد به گوشه دیگر، آنجا که خانم منصوره ایستاده بود. سریع رفتیم توی راهرو و زیر طاق در ورودی پناه گرفتیم. هر چه خانم منصوره را صدا کردیم خبری نشد. بعدها فهمیدیم که در همان لحظه بمباران قدرت شنوایی را از دست داده است. سقف در دو دیوار اتاقی که سفره باز کرده بودیم فرو ریخته بود. با این همه خودم را دلداری می دادم. باور نمی کردم که زنده مانده ایم.

از کوچه صدای شیون وزاری می آمد. نمی دانستیم هواپیماها رفتند یا نه. ولی ترس از آتش سوزی خانه و تصور زنده زنده در آتش سوختن و آوارمان کرد برویم بیرون. با هزار مصیبت یکی از درها را که پشتش پاره آجر ریخته و بسته شده بود از جا کشیدیم و با همان سرو وضعی که داشتیم رفتیم به کوچه. بمبها در کوچه ما به دو ساختمان دیوار به دیوار خورده بود. یکی از آنها، خانه خانم اسد نبود. شانس آوردند و آرزوی هیچکدامشان خانه نبودند. روز پیش از بمباران ماشینشان را فروخته بودند و پولش هنوز توی خانه بود. همه چیزشان در شعله های آتش خاکستر شد. حتی پولها.

از شدت انفجار اکثر خانه های چوبی محل فرو ریختند. در خانه ما ترکش بمب از این طرف آشپزخانه وارد شد و از آن طرف بیرون آمده بود. باز ترکش از گوشه اطاق گذشته به درخت انجیر خورده و کلدان وسط حیاط را دو نصف کرده بود. لباسهایمان



"همیشه در ترس و وحشت زندگی می کنیم". این را کودک دانش آموزی نوشته است. در کلاس دوم ابتدایی درس می خواند. خیلی کوچک است، اما به مرگ می اندیشد. او را مجبور کرده اند به مرگ بیندیشد. نمیداند زنده خواهد ماند یا نه، آرزوی می کند که زنده بماند. آیا زنده می ماند؟

در این راستا همراه بود. م. س. کارباجف دبیرکل کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. در بیانیه ۱۵ ژانویه (سال ۱۹۸۶) خود برنامه مشخص و موثر مبارزه در راه صلح، و نابودی مرحله به مرحله سلاح های امحای دسته جمعی را ارائه کرد. ما بنابر واقعیت های عصر هسته ای - فضائی، گام شجاعانه و بی نظیر خودداری یک طرفه از دست زدن به هرگونه انفجار هسته ای را برداشتم، بارها این موراتوریوم را تمدید کردیم و هنوز این ابتکار اوت سال ۱۹۸۵ به قوت خود باقی است. سکوت طولانی در میدان های آزمایش شوری بهترین مویده کارائی تفکر سیاسی جدیدی است که جهان معاصر آن قدر به آن نیازمند است. این امر نراز جدیدی از برخورد واقعا فراجی و جهانی نسبت به حل مسائل سیاسی است. تحت تاثیر این برخورد، در اذهان خلق های جهان، و در آگاهی نیروهای سیاسی و اجتماعی دارای متنوع ترین ستمگیری ها و جهان بینی ها، این اعتقاد هر چه استوارتر استحکام می یابد که: مساله، مساله موجودیت تمدن و نوع بشر است و زمان، زمان اقدامات درنگ ناپذیر و مسئولانه ای است که بهره گیری از خرد و عقل سلیم را تا اعلا درجه طلب می کند.

سال ۱۸۶ از جانب سازمان ملل سال صلح اعلام شد. متأسفانه این سال شاهد کاهش محسوس خطر نبود. بر "کانون های داغ" مختلف جهان، مانند گذشته غرش گلوله ها، جاری شدن خون و کشتار انسان ها حکمفرما بود. گناه این امر قبل از همه به دوش نیروهای امپریالیسم، و در ساستی که از جانب محافل نظامی - صنعتی غرب دیکته می شود، و نیز در ناتوانی رهبران سیاسی امپریالیسم است که قادر نیستند از الگوهای کهنه تفکر فراتر روند و در سیاست بنا را بر واقعیت های عصر حاضر بگذارند. در این شرایط، تفکر سیاسی جدیدی که از جانب پیشاهنگ جامعه شوروی طرحی شده است به زمینه ذهنی نیرومندی برای حفظ تمدن تبدیل می شود. شجاعت سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی و رهبران آن - که با نیرومندی در ماجرای دراماتیک ریکیاریک و در اقدامات بی گیرانه و استواری که متوجه ایجاد سیستم امنیت عمومی است تقاضای پدید آرد سه رشد کارائی این عامل فعال تثبیت صلح مساعدت می کند.

به علاوه، این تفکر جدید که به لحاظ مضمون، واقع بینانه و در روح خود انقلابی است، و در سیاست بین المللی صلح دوستانه حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی تجلی می یابد، دارای پایه اصولی و طبقاتی است. بر زمینه آیدولوژی، مارکسیسم - لنینیسم فراورنیده و احکام کلیدی - پایه ای آن را تکامل می دهد. واقعیت های امروزی یعنی چند جانبه بودن و وابستگی متقابل عمدتاً تمام تضادهای جهان، پیش بینی مارکس را در مورد آینده مشترک بشریت بر پایه کمونیسم باطل نمی کند. در زمان ما مبارزه در راه صلح و پیشرفت اجتماعی هر چه تنگاتنگ تر در هم می آمیزند و وحدت عمل همه نیروهای رهائی بخش و جنبش های توده ای دموکراتیک و ضد جنگ باز هم استوارتر می شود. پویایی و قدرت روندهای اجتماعی معاصر نیروی خلاق تئوری مارکسیسم - لنینیسم - که توسط کلاسیک های کمونیسم علمی کشف گردیده است - و دیالکتیک پیشرفت بشریت تا اشکال عالی سازمان اجتماعی آن را تأیید می کند.

اکتبر کبیر انقلابی است که دموکراسی راستین را به مثابه، شیوه هستی نظام اجتماعی برقرار می کند و اداره امور خلق بدست خود خلق را در بنیاد اقتصادی جامعه و مناسبات سیاسی، در زندگی فرهنگی و موازین اخلاقی رشد و تکامل می دهد. اولین گام های جمهوری جوان شوروی، زمانی که در طیفان انقلابی مبتنیگ ها بقیه در صفحه بعد

تحولات انقلابی کنونی در اتحاد شوروی، که همه عرصه های حیات اجتماعی در این کشور را در بر می گیرد، توجه جهان را به خود جلب کرده است. سوسیالیسم، به مثابه نظام اجتماعی برتر، نظام آینده، نظامی که پیروزی آن اجتناب ناپذیر و حکم تاریخ است، همه توان خود را می نمایاند. "اکثریت" تاکنون بیش از همه تشریفات دیگر فارسی زبان به دگرگونیهای تاریخ سازی که در کشورش راه جاری است، گزارش، خبر و مقاله اختصاص داده و کوشیده است خوانندگان خود را با زوایای گوناگون حرکت عظیم مردم، حزب و دولت شوروی آشنا سازد. لازم می دانیم به این کوشش خود ادامه دهیم و خوانندگان خود را فرخوانیم تا با دقت شایسته و درخور، این روند مهم را که دارای تاثیر قاطع جهانی است، دنبال کنند. امید ما این است که مطالعه مقالاتی که به چاپ می رسانیم، به این امریاری رساند.

در شماره گذشته "اکثریت" تذهای گزارش دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به پلنوم اخیر کمیته مرکزی پیرامون نوسازی و سیاست حزب در مورد کادزارها را منتشر کردیم. در این شماره، سرمقاله نشریه "کمونیست" را که به تبیین دگرگونیهای جاری به مثابه تدارک تاریخی و منطقی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر می برد از ده درج می کنیم.

سرمقاله نشریه "کمونیست"

ارگان ثنوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (شماره ۱۹۸۷)

هفتاد و هفت سال اکتبر: انقلاب ادامه دارد

گردید. این هم پیوندی از کجاست، و چرا حزب دگرگونی های اساسی جاری کشور را به لحاظ ماهیت انقلابی می خواند؟ تفاوت و ویژگی های ایام کنونی در چیست؟ پاسخ این سؤالات را باید در توانی ایده های جستجو کرد که در سال ۱۹۱۷ (ایام بخش توده های انقلابی بودند و به ایجادگری امروز نیز نیرو می بخشند. پاسخ به این سؤالات را باید در آن سبک عمل و اندیشه خلاق خاص کمونیستها جستجو کرد که امروز تحولات کیفی در زندگی را برمی انگیزد. و بالاخره این پاسخ ها در نفس خصلت تحولات سریع و جهش وار خاص دوران حاضر نهفته است، دورانی که تصمیمات سریع و دقیق سیاسی و استراتژیک و پاسخ شایسته به فراخوان تاریخ را طلب می کند. تحولات خصلتاً انقلابی کنونی در کشور، در شرایطی جریان می یابند که سوسیالیسمی که در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بنا شده است، بر پایه خود به سوی وضعیت کیفیتاً نوین رشد و تکامل می یابد.

این آسمانهای شردوستانه رهائی انسان از ستم، استثمار، گرسنگی، فقر، جهل، تنگ و وحشت کشتارهای امپریالیستی، و ایده آل های عدالت اجتماعی بود که کارگران، دهقانان و سربازان برپا خاسته را به یورش اکتبر کشاند. لنین در اولین روزهای پس از انقلاب نوشت: "ما راه عدالت را نمی پوئیم. پیروزی ما تضمین شده است." این که ما یاساران عدالت و بشردوستی واقعی هستیم، امروزه با آشکار شدن هر چه کامل تر و تمام تر ستم بانی ساختار اجتماعی سوسیالیسم به سود انسان، یعنی در جهت منافع، نیازها و آمجاها او جلوه روشنی دارد. اولویت بی چون و چرای ارزش های عموم بشری که پیشاهنگ اجتماعی بشریت، یعنی طبقه کارگر بین المللی و هسته سوسیالیستی آن پاسدار و مدافع دلسوز آن هستند در سیاست حزب کمونیست ما هر چه نمایان تر ترسیم می شود. در میان ارزش های تمدن بشری که کمونیست ما از اکتبر سال ۱۹۱۷ از آن خراست نموده اند، حق انسان نسبت به حیات، صلح و بهزیستی مکان اول را اشغال می کند.

آغاز سال گذشته با اقدامات قاطع کشور شوروی

در مرز نامرئی سالی که از راه می رسد، بشر می گوید به آنچه که پشت سر گذاشته است نظر افکند و آنچه را که به انجام رسیده جمع بندی کند. در این راستا میل رسوخ به آینده و دیدن دور دست ها و سرنوشته شخصی خود و آینده کشور و نظر افکندن بر چشم انداز حیات تمام بشریت نیز انگیزه ای نیرومند است. امروز که تاریخ به سوی مرز هزاره های دوم و سوم میل می کند، این احساس متشدد زمان با نیروی ویژه ای متظاهر می گردد. دوقرن پیش از این، کانت فیلسوف آلمانی می گفت: درک زمان، پایه تمامی فعالیت معرفتی بشر است. در عین حال توانائی تلباق با دوران با اذیت خونسردانه تعویض سال ها که برای همیشه به گذشته می پیوندند هیچ وجه مشترکی ندارد. زمان را احساس کردن یعنی در آن سهم بودن و خود را جزئی از صعود تهنار نشدنی بشریت به درجات پیشرفت اجتماعی دانستن.

هنگام با زمان، حرکت کردن، یعنی شرکت در تحولات و روندهای حقیقتاً انقلابی نوسازی کشورمان که به مرز هفتاد و هفت سال انقلاب سوسیالیستی خود کام می گذارد. ما به سال ۱۹۸۷ یعنی هفتاد و هفت سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر وارد می شویم. سال کار سخت انسان های شوروی که تصمیمات تاریخی کنگره ۲۷ حزب لنین را تحقق می بخشند، سالی که باید به نقطه عطف مهم دیگری در حرکت جامعه جابه سوی وضعیت کیفی نوین خود تبدیل شود.

با نگاهی گذرا به سلسله طولانی رویدادهای تاریخ جهان، می توان حلقه های مشابه زیادی را برشرد. لیکن تشابه راستین موقعیت های تاریخی نه با شباهت های خارجی، بلکه با هم پیوندی عمیق ژنتیک، با قیاس سنجیده و علمی مضمون دوران ها یعنی با آن که کدام نیروهای اجتماعی در راستاهای عمده رشد و تکامل اجتماعی عمل می کنند تعیین می شود. امروز، ما زمان نوسازی و نو کردن در تمامی عرصه های حیات جامعه شوروی را همچون زمانی انقلابی توصیف می کنیم. این توصیف در حکم مقایسه با آن روندهایی است که با انقلاب اکتبر آغاز

هفتاد و نهمین سال اکتبر ۱۹۳۵

بقیه از صفحه قبل

دیالکتیک سائترالیسم و دموکراسی تبلور می یافت و اصول عملکرد و تکامل دولت تراژوئین پرولتاریای پیروزمند ساخته و پرداخته می شد، بر این مبنای استوار بود. این مبنای دموکراتیک و خلقتی سازمان دولتی شوروی حیاتی بودن خود را در سخت ترین آزمایش هایی که در تاریخ ما فراوان نیز بوده است نشان داده و در جریان رشد و تحکیم خود گردانی سوسیالیستی، ظرفیت خود را فزونی بخشیده است.

انقلاب اکتبر با خلاقیت، رشد و تکامل، و پیشرفت مداومی مترادف شده است که راه را از خلل هر گونه سد و مانعی بر خود هموار می کند. انقلاب اکتبر انقلاب حقیقت راستین و قاطع است، انقلاب نوسازی است که سرسختی در اعتقادات و انعطاف اندیشه را طلب کرده، به سوی اقدامات قاطع به پیش می رود. لنن می گفت زمان انقلاب "زمان عمل است، عمل هم از بالا و هم از پایین" (مجموعه آثار، جلد ۱) (صفحه ۸۵). در این زمان جای موعظه خروانی توخالی و دور از زندگی و سخن پردازی های بی پایان نیست. تمامی تجربه تقریباً هفتاد ساله ما می آموزد که پیشروی در عمل تنها با سخت ترین تلاش و مبارزه خستگی ناپذیر در راه نوحاصل می شود.

اکتبر کبیر انقلابی است که در پراتیک تکمیل و تکامل سوسیالیسم بنا شده در کشور ما، و در تحولات اساسی آتی ادامه می یابد. این تحولات جوهر بشرده ستانده نظام نوین را نمایان ساخته، به کشف امکانات ایجادگراوند و خلقت انسان و به ایجاد آن شرایط زندگی و کار که شایسته شهروند اولین جامعه سوسیالیستی در جهان است، مساعدت می کند.

این خصایل اکتبر در امور امروزین مردم شوروی تجلی زنده ای دارند. ادامه کاری انقلابی که در سیاست کمونیست ها تجسم می یابد با پیروی کورکورانه حتی از بهترین نمونه ها و قواعد گذشته مغایر است. در این عرصه ما با برخورد های پیشین راه به جایی نخرانیم برد. ادامه کاری در مفهوم لنینی یعنی حرکت بدون انحراف به پیش، دریافتن و حل مسائل جدید، و رفع آن چه که این حرکت را مانع می شود. در پلنوم آوریل (سال ۱۹۸۵) کمیته مرکزی گفته شد که حزب، بلا انحراف از این سنت لنینی پیروی می کند و سیاست خود را غنا بخشیده و تکمیل می کند. به بیان دیگر ادامه راه اکتبر نوآوری انقلابی در طرح و حل مسائلی است که زائیده زندگی است. سرسختی و ثبات خط مشی سیاسی از نگرش شجاعانه و دور اندیشانه به آینده، از جستجوی خلق برخورد های جدید، و از توانایی دست کشیدن قاطع از تصورات کلیشه ای و کهنه که از واقعیت های اجتماعی به سرعت روبرو شده عقب مانده اند تفکیک پذیر نیست.

نمونه برخورد این چنین و سرمشق وفاداری به ایده آل ها و روح خلق اکتبر، تصمیمات آوریل سال ۱۹۸۵، یعنی تسریع رشد اجتماعی-اقتصادی کشور و نوسازی همه جانبه بود که در کنگره ۲۷ به گونه ای عمیق تدوین گردید و مورد حمایت خلق شوروی قرار گرفت. یک سالی که از کنگره حزب گذشت سال اولین اقدامات بلادرنگ در جهت نوسازی مکانیسم اقتصادی و سال غنای چشمگیر زندگی اجتماعی-سیاسی و معنوی جامعه تحت تاثیر ایده های کنگره بود. با تگامی به این سال فورا تحولات مثبتی که در سیاست، در اقتصاد، در فرهنگ و فضای اخلاقی، در امر نحوه برخورد با انسان و مسائل او، در سبک و شیوه های کار همه اجزای ارگانیک اجتماعی کشور جریان دارد، دیده می شود.

چرا حزب این تحولات را انقلابی می خواند؟ لنین سنت معمول ما عادت کرده ایم که انقلاب را با

دگرگونی در خود بنیاد و زیر بنای جامعه، و در شیوه تولید یکی بگیریم، اما در این مورد ارکان بنیادین فرامیوسون اجتماعی-اقتصادی اساساً بلا تغییر مانده و خواهند ماند. مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید و خصلت با بر نامه بودن اقتصاد سوسیالیستی به جای خود باقی هستند، اصول سازماندهی سیستم سیاسی که در قانون اساسی ا.ج. ش. س. قید شده است اهمیت خود را احفظ می کنند، مارکسیسم-لنینیسم ایدئولوژی حاکم بوده و خواهد بود.

برای کسانی که در روند امروزین نوسازی به جای آن چه که در واقع در آن نهفته است چیزی نزدیک به "لرزش ارکان" و روگردانی از دور-نماهای سوسیالیستی و کمونیستی رشد و تکامل اجتماعی را می بینند، مفید خواهد بود که به ارزیابی های لنینی از خصلت و مضمون اصلاحات در شرایط انقلاب سوسیالیستی پیروزمند، رجوع کنند. در آستانه چهارمین سالگرد اکتبر ولادیمیر ایلیچ لنین با تفکر پیرامون برخوردهای جدید نسبت به حل مسائل ریشه ای که توسط عظیم ترین تحول اجتماعی تاریخ پیش کشیده شده بودند، توجه خود را دقیقاً به شیوه های ساختمان اقتصادی که غیر انقلابی به نظر می رسیدند، معطوف نمود. لنین ضمن اصلاح گرایانه خواندن این شیوه ها (در مقایسه با شیوه های "هجوم و یورش")، اهمیت آن را برای رشد و تکامل آتی امر انقلاب، یعنی برای آن چه که تنها در اقدام لحظه ای تسخیر قدرت خلاصه نمی شد و می بایست وظیفه سازماندهی نظام جدید را عملی سازد مورد تأکید قرار می داد. پیشوای انقلاب قبل از هر چیز کار دقیق در جهت "انجام و تجدید بنای سیستم شوروی را بسته به حد ارتقا" آن تا سطح اهداف نوینی و بسته به حد ظهور وظایف جدید طرح می نمود. ولادیمیر ایلیچ نوشت: "... دستاوردهای انقلاب دیگر نمی توانند همان طور باشند که در گذشته بودند. در رابطه با کارگران از جبهه نظامی به اقتصادی و گذار به سیاست نوین اقتصادی، در رابطه با شرایطی که قبل از هر چیز ارتقای بهره دهی کار و ارتقای انضباط در کار را طلب می کند، این دستاوردها ناگزیر خصلت خود را تغییر می دهند. در این زمان دستاورد عمده انقلاب بهبود درونی است، بهبودی که نه درخشان است، نه چشمگیر و نه در نگاه اول برجسته یعنی بهبود کار اجرای آن و نتایج آن..." (مجموعه آثار، جلد ۴۴ صفحه ۱۲۲).

این بهبود "درونی" یعنی بهبود اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که در روند نوسازی امروزین حکم و وظیفه ای واقعاً انقلابی را دارد. هدف نوسازی عبارت است از رفع پدیده های رکود، و آماده شدن برای جهش قاطع به پیش در راه نبل به وضعیت کیفیتاً نوین جامعه. نازکی و غیر قالبی بودن برخوردهایی که در نوسازی نهفته است بر تحلیل لنینی دیالکتیک شیوه های انقلابی و اصلاح گرایانه تحولات سوسیالیستی استوار است.

لنن در مقاله "در باره اهمیت طلا، اکتون و پس از پیروزی کامل سوسیالیسم" می نویسد: رابطه بین رفم و انقلاب را فقط مارکسیسم بطور دقیق و صحیح تعریف کرده است و ضمناً مارکسی این رابطه را فقط از یک طرف می توانست مشاهده کند یعنی: در اوضاع و احوال قبل از نخستین پیروزی کمابیش استوار و کمابیش طولانی پرولتاریا و ولودریک کشور. در چنین اوضاع و احوالی مبنای رابطه صحیح عبارت بود از این که: رفم محصول فرعی مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتاریاست... پس از پیروزی پرولتاریا

ولو در یک کشور، در رابطه بین رفم و انقلاب چیز تازه ای پدید می شود. از لحاظ اصولی مطلب همان است که بود ولی از لحاظ شکل تغییری رخ می دهد که مارکس شخصاً نمی توانست پیش بینی کند. ولی تنها بر اساس فلسفه و سیاست مارکسیسم می توان بدان پی برد." (مجموعه آثار، جلد ۴۴ صفحه ۲۲۸).

در حال حاضر جامعه در برابر ضرورت انجام تحولات و تغییرات کیفی عملاً در تمامی عرصه ها، قرار گرفته است. این عرصه ها عبارتند از: رشد و تکامل نیروهای مولده و مناسبات تولیدی، دموکراتیزه کردن اساسی و فراگیر شدن اجتماعی-سیاسی و انسانی حیات جامعه، تعمیق پیشرفت معنوی و رشد و تکامل انسان به عنوان ارزش اصلی. صحبت بر سر کیفیت نوین رشد سوسیالیسم است که ناظر بر خصلت انقلابی تغییرات جاری و در صورت وجود برخی شرایط عینی و ذهنی متضمن آنباست.

اگر به تاریخ نظر افکنیم، صنعتی کردن کشور و تعاونی کردن روستا، حل مساله ملی و تحولات در عرصه فرهنگ نیز اقداماتی این چنین و به راستی انقلابی بودند. در شرایط معاصر، "میدان عمل" به شیوه انقلابی اساساً گسترش یافته است و خود انقلابی-گری، که در اساس بر پایه ساختمان سوسیالیسم طی دهها سال "فتح شده و تثبیت شده" است، به واقعیت تبدیل می گردد. دوره عطف کنونی و ضرورت رفع هر چه سریعتر عواقب رشد کند، اشتباهات و نیمه کاری های گذشته نزدیک اقداماتی را که به راستی انقلابی باشند (انقلابی به لحاظ درنگ ناپذیری، عطف و آهنگ اجرای آن ها) ضروری سازد. بدین ترتیب در جریان نوسازی تحولاتی انجام می شود که چه به لحاظ ماهیت و چه تا اندازه زیادی به لحاظ شیوه های حل مسائل نفع یافته و حتی "تخمیر شده" انقلابی هستند. این امر قبل از همه کوششی است در جهت آن که بدون این دست کردن و آن دست کردن و معطل شدن دست به کار تحقق مفاد کنگره ۲۷ شویم و شجاعت در طرح مسائل حاد رشد و تکامل، مباحثه علنی و زک و راست پیرامون این مسائل، وحدت فزاینده حرف و عمل، و سازش ناپذیری سخت گیرانه در سیاست مربوط به کادرها را باز سازیم.

م. س. کارباچف در ملاقات با شرکت کنندگان "گروه ماسی اسبق - کول" گفت: "ما از مرحله جالبی عبور می کنیم، از دوره جالبی از رشد و تکامل تاریخی، ما می خواهیم بر پایه سوسیالیسم، تمامی وجوه حیات مان را نو کنیم. ما از ارزش های خود، از آن چه که به آن ایمان داریم، از آن چه که روسیه را به سطحی رساند که امروز در آن قرار دارد و نمی گردانیم. ما تنها متوجه شده ایم که از آن چه که سیستم ما برای رشد و تکامل اقتصاد، عرصه اجتماعی و فرهنگ در اختیارمان می گذارد بد و یا، ملازم تر بگوئیم، ناکافی استفاده می کنیم. به علاوه ما متوجه شده ایم که در جامعه ما ناهنجاری هایی روی داده است که به هیچ وجه با ارزش های سوسیالیستی همخوانی ندارد. و این که ما امروز با بهره گیری از علنییت و دموکراسی به راه نوسازی کام گذشته ایم، بازتاب عظیمی در میان مردم یافته است. ما این پشتیبانی را که شاید دهها سال وجود نداشت، احساس کرده ایم."

تر خصلت انقلابی تحولات جاری با پذیرش و تأیید هر چه بیشتر بسیاری از مردم شوروی یعنی کارگران، کارکنان کالخور و روشنفکران روبرو می گردد. برای نمونه، م. س. ماتوروو، از کوی بیشف (۳)، مبلغ و عوض ک. ۱۰۰ ش از سال ۱۹۴۰ به تحریریه مجله چنین می نویسد: "پاکسازی انقلابی به مبارزه ای حاد با نیروهای ماند، محافظه کاری، و ظلم سازی و غیره برخاسته است... و اگر چه این انقلاب نه با تفنگ است و نه علیه دشمن طبقاتی، اما از انسان هایی که به آن ملحق می شوند، شجاعت فراوان، و گاهی نیز از خود گذشتگی معین مادی، بلوغ مدنی و منانیت اخلاقی می طلبد." این کلام، گویای شوق اخلاقی و میل به کار پر تحرک و از هیچ کاری

فرکدار نکردن برای تحقق برنامه‌های حزب است و به این جهت ارزشمند است. مردم شوروی برای نوسازی قد برافراشته اند. آن‌ها قبل از هر چیز نگران آنند که این مساعی در فلان یک از روستاها تضعیف نشود، کار به طور همزمان هم از بالا و هم از پایین به پیش برود و تمامی حلقه‌ها و نهادهای اجتماعی را در برگیرد. باید به موقع از این شرایط بسیار مساعد و کمک نبروند معنوی در متحول کردن تمامی بخش‌های ساختمان جامعه سود جست. در موقعیت کنونی، تعلل و موکول کردن مساله عمده "به بعد" جایز نیست. در غیر این صورت، سخنان موثر امروز و این لحظه پیرامون نوسازی و تسریع، تازگی و طراوت خود را از دست داده و به چیزی هرز و بی‌ثمر تبدیل خواهد شد.

اما جوهر این تحولات که هم به لحاظ خصلت و هم به لحاظ شیوه‌های خود انقلابی هستند و در شئون مختلف زندگی اجتماعی جاری خواهند شد در چیست؟ در شرایط کنونی، اندیشیدن و عمل کردن به شیوه انقلابی به چه معناست؟ به این سؤال‌ها پراتیک تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی کشور، درگرونی‌های محسوسه که آغاز شده است و نوسازی ساختارهای عمقی و ریشه‌دار در اقتصاد ملی و مناسبات سیاسی و اجتماعی پاسخ می‌دهد.

نقش درجه اول را تحولات در اقتصاد، یعنی مهمترین عرصه مساعی حزب و خلق شوروی، ایفا می‌کند. بر پایه استوار مالکیت اجتماعی سوسیالیستی و در چارچوب اقتصاد با برنامه، مکانیسم‌های تحقق خصائل و برتری‌های بنیادین و ماهوی سیستم اداره امور اقتصاد که نقطه آغاز آن توسط انقلاب اکتبر گذاشته شده است، دستخوش نوسازی اساسی می‌شود. بازسازی فنی پر دامنه اقتصاد ملی و از جمله نوسازی ساختاری آن که قبل از همه موجبات رشد و تکامل ماشین‌سازی را بر پایه تازه‌ترین دستاوردهای پیشرفت علمی - فنی فراهم می‌آورد، در جریان است. در برابر چشمان ما مکانیسم اقتصادی جدیدی شکل می‌گیرد که از سازش‌های سابق که مدتی طولانی رشد اقتصاد را مانع می‌شدند عاری است. ذخایر مربوطه استفاده از مناسبات کالا - پولی، رژیم خودکفائی کامل، تأمین هزینه‌ها و خود اتکالی مالی وسیعتر به کار گرفته می‌شود. از سال جدید، صنایع، ساختمان‌سازی، راه‌آهن و بازرگانی کام بزرگی در جهت کسب شرایط جدید کار برمی‌دارند. وظیفه حال حاضر گذار از "تکمیل" و "بازسازی" های جزئی به اصلاح تمام عیار و اساسی مدیریت و اداره امور اقتصادی است. این اصلاح، برنامه ریزی و تأمین مالی، قیمت گذاری، تدارکات، تمامی مراحل چرخه باز تولید، و عوامل رشد اقتصادی را دربر می‌گیرد، این اصلاح سلوح مختلف اقتصاد ملی، رشته‌ای، منطقه‌ای و برنامه‌ای رهبری اقتصاد ملی را در یک کل واحد گرد می‌آورد. اولین "یورش" در جهت انجام این وظایف و در جهت کار کردن به شیوه نوگانه خود را در نتایج سال گذشته نشان داد: درآمد ملی و تولید صنعتی به بالاترین آهنگ رشد خود را در ده ساله اخیر دست یافت، بهره‌دهی کار از سطح برنامه ریزی شده فراتر رفت، و هزینه‌ها و هزینه‌های محصول بیش از آن چه که پیش بینی شده بود کاهش یافت. آهنگ اضافه‌رشد محصولات کشاورزی نزدیک به دو برابر بیش از تعهدات متوسط سالانه بود و کل برداشت غله در سال ۱۹۸۶ به حدود ۲۱۰ میلیون تن رسید که نزدیک به ۲۰ میلیون تن از محصول متوسط سالانه در پنج ساله گذشته بیشتر است.

این ارقام برآستی امیدوار کننده‌اند. لیکن نباید فراموش کرد که این تازه اولین کام‌هاست. نوسازی، ناموزون و جهش وار پیش می‌رود: در یک سلسله از شاخص عقب ماندگی هنوز پاپر جاست و حتی ذخیره‌های "نوبت اول"، یعنی انضباط، نظم و سازمانیافتگی، بسیار ناضب به کار گرفته شده‌اند. هنوز تحولی در رابطه با کیفیت کار ما ایجاد نشده است. سال ۱۹۸۶ شاخص تداپیری مهم در رابطه با بهبود کیفیت محصولات بود. در شمار کاملی از

موسسات، بازرسی دولتی (۴) برقرار شده است و کنترل بر تمامی زنجیره تکنولوژیک صدها کلکتیو - از طراحی تا نتایج نهائی کار فزونی یافته است. این امر، به قول معروف، به "به صدا در آمدن" تمامی زنجیره چند شاخه روابط اقتصادی و سازمانی در اقتصاد ملی کمک کرده و نشان می‌دهد که در کجا تماس‌ها مختل شده، و کجا جریان انرژی ایجادگر قطع گردیده و حرکت به پیش متوقف شده است. اما کار عمده، در پیش است. هفتادمین سال اکتبر، برای سرنوشت پنجساله دوازدهم و نیز برای کل نوسازی، و برای مقدرات تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی کشور، سال عمدتاً تعیین کننده‌ای خواهد بود.

در حقیقت، تحولات دارای اهمیت انقلابی در رشد و تکامل مناسبات مالکیت سوسیالیستی نیز جریان می‌یابند. آری، بدیهی است که صحبت به هیچ وجه بر سر آن چه می‌کنند بگویند، یعنی "لغو" یا جانشین کردن این مالکیت، با فلان شکل دیگر از مالکیت نیست. اما ضمن تحلیل مسائل گذشته نزدیک، با تمام وضوح مشاهده می‌کنیم که در شرایط تسلط مالکیت سوسیالیستی هم، ممکن است روندهای رکودآمیز و حتی قهقرائی، اسراف و ولنگاری مفرط، و ناهنجاری در توزیع و سایر عرصه‌های اداره امور اقتصادی وجود داشته باشد. روشن است که در تحقق برتری‌های مالکیت سوسیالیستی هیچ گونه حالت خودپویی وجود ندارد. همه مساله در آن است که ما چگونه از این برتری‌ها بهره می‌گیریم. امروز شیوه‌های جدید استفاده از این مالکیت، نقش اساسی ایفا می‌کند. عرصه برای رشد اشکال تعاونی این مالکیت و به کارگیری ذخائر کار فردی در نظر گرفته شده است، تجربه وسیعی در جهت فعال کردن منافع اقتصادی و ایجاد محرک‌های اضافی - هم مادی و هم معنوی - برای کار بر تحرک و همدفند هر فرد زحمتکش در جریان است. این کاروش شجاعانه و "نبرد بازشناسی" در سرآبیه ساختمان اقتصاد، گاهی اشخاصی را که در اندیشه و عمل بزدل اند می‌ترساند. روندهای جاری همیشه در قالب‌های مانوس که در طول سال‌ها متحجر شده‌اند نمی‌کنند. مساله ما جستجو به خاطر جستجو و تحول به خاطر تحول نیست. ما باید هر چه ممکن است سریعتر شیوه‌های کوناگون را در عمل بیازمائیم و تجربی و انطباق آن‌ها را با راستای اصلی رشد و تکامل جامعه‌مان ارزیابی کنیم. احتمال دارد برخی از اشکال و شیوه‌هایی که امروز طرح می‌شوند از این آزمایش سربلند بیرون نیایند. در این حال باید از آن‌ها دست کشید. کلام آخر در این زمینه از آن علوم اجتماعی و در درجه نخست علم اقتصاد است.

اقداماتی که در جهت ارتقاء اقتصاد انجام می‌شود با تمام اهمیت مستقل‌شان، متوجه تحقق هدفی عالی‌تر، یعنی رشد همه‌جانبه انسان است. این اصل بشردوستانه برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی از اولین اسناد برنامه‌ای مارکسیسم نشأت می‌گیرد: رشد آزادانه هر فرد، شرط رشد آزادانه همه است. این اصل نه تنها چشم انداز فعالیت حزب، بلکه مولفه‌های مشخص سیاست اجتماعی کنونی آن را نیز تعیین می‌کند. نخستین برنامه حزب انقلابی تراز نوبین - حزب بلشویک‌ها - که در آغاز قرن بیستم به تصویب رسید، خود، مساله لغو انقلابی مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و پیشبرد "سازماندهی با برنامه روند اجتماعی - تولیدی" را، با نبل به هدف اصلی، یعنی تأمین "رفاه" رشد همه جانبه اعضای جامعه" پیوند می‌داد. و اکتبر نقطه آغاز تبدیل این پیش بینی به واقعیت بود.

خصلت بشردوستانه فعالیت عملی کمونیست‌ها در سیاست اجتماعی نیرومند و فعالی متجسم می‌شود که حزب به پیش می‌برد. جوهر انقلابی تحولات کنونی، یعنی نوعی تغییر تاکیدات بر الویت‌های رشد و تکامل، در همین امر نهفته است. ما از زمینه‌های واقعی برای ارتقای رفاه مردم تاسطحی کیفیتناوبین و تأمین چنان سطح و کیفیتی از زندگی که شایسته انسان جامعه سوسیالیستی باشد برخورداریم. لیکن چرخش

واقعا انقلابی به سوی انسان و به سوی نیازها و احتیاجات او نیازمند تصمیمات و اقدامات جدید و در هم شکستن بسیاری از جهت‌گیری‌ها و التواهی آگاهی است. این جابه‌جائی تاکیدیات به لحاظ روانشناسی به سادگی به دست نمی‌آید. در رابطه با ساختمان اجتماعی - فرهنگی و توجه واقعی به انسان، هنوز هم در شعور بسیاری از دست اندرکاران اقتصاد منطق "بازمانده" با استواری لانه کرده است. به علاوه ما در سال‌های گذشته ضمن اعلام اهداف بشردوستانه خود، همیشه از نیرو و وسایل کافی برای تحقق کامل و مطلوب آن‌ها برخوردار نبودیم و یا آنچه راهم که داشتیم همیشه صحیح به کار نمی‌گرفتیم. اما امروز که هم وسایل بسیار بیشتری به این امر اختصاص داده می‌شود و هم در برنامه‌ها الویت‌های لازم در نظر گرفته می‌شود، باز هم "مطابق معمول" از امکانات رشد پرشتاب در عرصه اجتماعی، آن اندازه که زمان می‌طلبد، بهره‌برداری تریبخش به عمل نمی‌آوریم. این امر در حکم ضرورت نوسازی روانشناسی و ضرورت اقدامات موثر و قاطع است. در سیاست اجتماعی است که سرشت بشردوستانه نظام سوسیالیستی و تفاوت‌های کیفی آن با سرمایه‌داری، هر چه وسیع‌تر و هر چه آکناکتر نمایان می‌شود. توجه به انسان و کشف توانایی‌ها و استعدادهای او یکی از مولفه‌های عمده نوسازی است. پیوند دادن پیشرفت علمی - فنی با منافع انسان‌ها به طریقی که "الویت" شخصیت همواره رعایت گردد، شایستگی او بی‌بها نشود و انسان، خود را خالق واقعی و فعال احساس کند، شایسته توجهی دقیق است.

شرط شیوه و نتیجه نوسازی انقلابی تعیین همگامی است. م. س. کارباجف در سخنرانی خود در کراستادار گفت: "ما باید مردم را از طریق دموکراتیزه کردن جامعه به روند نوسازی ملحق نماییم. اگر گفته شود جوهر نوسازی چیست، می‌توانم آن را در این بیان ساده خلاصه کنم: ما باید در هر کلکتیو کار، در هر سازمان حزبی، در هر ایالت و جمهوری، در هر رشته، در هر اداره مرکزی و در سراسر حزب، آنچنان زمینه‌های ایجاد کنیم که انسان، ما خرد و اصحاب کشور احساس کند." (پایتیزه ۱۹۸۶، م). اکتبر آن خرافات سالیان متمادی را که گویا تنها بخشی از اهالی می‌توانند در اداره امور شرکت فعال داشته باشند در هم شکست و این وظیفه را به دست اکثریت، و سپس، همه خلق سپرد. انقلاب اکتبر زحمتکشان را از متاثرهای بدون رای (و یا تنها "رای دهنده") به موثرهای عمل واقعی سیاسی و شرکت کننده در حیات دولتی تبدیل کرده، احساس شایستگی و احترام به خود را در آنان برانگیخت. دموکراسی پرولتاری و سوسیالیستی نیز بدین ترتیب معنای حقیقتاً بشردوستانه خود را بروز داد. سیادت سیاسی پرولتاریا، به بیان انگلس، "یگانه باب ورود به جامعه نوبین" - جامعه آزادی، برابری، و عدالت اجتماعی - است. این آرمان بشردوستانه کمونیست‌ها، یعنی اداره امور خلق به دست خود خلق که در همان اولین آثار برنامه این کلاسیک‌های مارکسیسم تجلی یافته است، تجسم واقعی خود را در پراتیک سوسیالیسم و عملکرد سیستم سیاسی آن می‌یابد. حکومت زحمتکشان با جذب گروه‌های جدید و جدیدتر مردم به روند واقعی اداره امور دولتی و اجتماعی، امر تدوین و تصویب، و از همه مهمتر، سیر انجام مهمترین تصمیمات سیاسی را دموکراتیزه می‌کند.

مفهوم خودگردانی خلق، در تئوری به شیوه‌های کوناگونی تفسیر شده است. خیلی وقت‌ها این مفهوم به معنای خودمختاری شخصیت‌ها و واحدهای اقتصادی محلی گرفته شده و بنابراین صرفاً با پراکندگی، عدم تمرکز و تقریباً خود انگیختگی پیوند یافته است. گاهی خودگردانی خلق به عنوان چیزی خلاف مالکیت دولتی مطرح شده است. کوتاه سخن، در این تصورات یک سویه، روندهای تحکیم دولت، و رشد و تکامل خودگردانی به عنوان اموری گویا مجزا، متناظر و گاهی نیز متضاد با یکدیگر جلوه‌گر شده‌اند. در سال‌های چندان دور، این تصورات به

هفتاد و دومین سال اکتبر...

بقیه از صفحه قبل

پیش بینی ناموجهی پیرامون دورنمای زوال دولت سوسیالیستی و "انتقال" تدریجی وظایف آن به سازمان های اجتماعی، منجر گردید.

به گونه ای کاملاً مشخص باید گفت که: این پیش بینی ها بر روندهای واقعی رشد و تکامل دولت ما استوار نبودند. خودگردانی خلق نه در خارج، بلکه - با رسوخ در تمامی منافذ حیات دولتی و اجتماعی - در داخل حاکمیت دولتی سوسیالیستی رشد می کند و بلوغ می یابد. در عین حال اشکال سازماندهی دموکراتیک جامعه که در طول سال های سوسیالیسم شکل گرفته اند غنا پیدا می کنند. سرشت سوسیالیستی اصل بنیادی نظام ما، یعنی سائترالیسم دموکراتیک، استحکام می یابد و پیوندها متقابل و دیالکتیکی پایه های دوگانه آن تقویت می شود.

اما در این زمینه، چه چیزی در عمل مورد نظر است؟ مساله قبل از هر چیز بر سر تقویت اتوریته، نفوذ، و گسترش صلاحیت شوراهای نمایندگان خلق، این رکن سیاسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است. این ارگان های قدرت مولود خلافت انقلابی زحمتکش و تجسم ابتکار مستقل میلیون ها کارگر، دهقان و سربازی بوده است که نیروی لایزال خود را متوجه ساختن دولت تراز نوین نمودند. در طول دهه های سال که از اکتبر ۱۹۱۷ می گذرد این شوراهای سیستم نیرومند و گسترده ای از ارگان های تبدیل شده اند که قانون گذاری، اداره امور، و کنترل را توأم در بر می گیرند. اما امروز دیگر سطح شریکشی کار این شوراهای را ارضاء نمی کند. تصمیمات حزبی مصوب سال گذشته پیرامون ارتقای نقش شوراهای نمایندگان خلق متوجه تحول طایع در مضمون و سبک کار این شوراهای و تقویت تاثیر واقعی آنها در روندهای نو سازی است. تصمیم بر آن است که مسئولیت شوراهای در قبال هر آنچه که در قلمرو آنها صورت می گیرد به طور قابل توجهی افزایش یابد، اختیارات آنها از جمله نسبت به ارگان های رسته ای مدیریت وسعت پیدا کند، به فعالیت نمایندگان تحرک بخشیده شود، و کار کمیسیون های دانشی و فراخوان و برگزاری اجلاس ها و غیره که در بعضی نقاط به تشریفاتی بکنواخت تبدیل شده است دموکراتیزه گردد. به بیان دیگر موضوع بر سر "احیای" خود ویژه حاکمیت شوراهای در مفهوم لنینی آن است. و این نیز وظیفه ای حقیقتاً انقلابی است.

"اعمال مقدس" بوروکراتیک که کوچکترین پیوندی با احتیاجات، منافع، و نیازهای واقعی مردم ندارند عمیقاً از خودگردانی واقعی و جامع که ما نیز درست در جهت آن تلاش می کنیم - بیگانه اند. تدابیر مربوط به فعال کردن همه ساختارها و نهادهای اجتماعی - سیاسی که در چارچوب دموکراسی قرار دارند، و برانگیختن چرخش آنها از "عملکرد" صوری، یکنواخت و ملال آور به کار واقعی در جهت رفاه مردم، همه و همه هدف فوق را دنبال می کنند. در سال ۱۹۸۷ کنگره های نوینی اتحادیه های صنفی و کاممول برگزار می گردد. سازمان های اجتماعی جدیدی نیز که منافع زنان، و قهرمانان پیش کسوت جنگ را نمایندگی می کنند تشکیل خواهد شد (کنفرانس موسس سازمان سراسری پیش کسوتان جنگ و کار در سال گذشته برگزار گردید).

خودگردانی در خود کلکتیوهای کار هم که ما آن ها را به حق سلول های اجتماعی اصلی ارگانیک جامعه خود می شناسیم تحرک تازه ای یافته است. حقوقی که کلکتیوها از آن برخوردارند با قانون مربوط به موسسات سوسیالیستی که در دست تدوین است تحکیم خواهد شد. این قانون به "وارد کردن"

دقیق تر کارخانه ها و مجتمع های تولیدی در سیستم اداره امور اقتصاد که بر پایه خودکفائی بنا شده است و به نحو کامل تر و منعطف تری از ظرفیت سائترالیسم دموکراتیک بهره می گیرد کمک می نماید.

ظرفیت خلق و عظیم دموکراتیسم که اجازه می دهد سیستم اداره امور در چارچوب نظام سوسیالیسم مورد اصلاحات اساسی قرار گیرد، اکیداً تصورات دروغین و مبتدلی که سوسیالیسم را جامعه ای "یکنواخت"، "تمامیت گرا"، و "به شدت دارای سلسله مراتب" می داند، نفی می کند. ماهیت زنده نظام ما و تنوع و انعطاف اشکال دموکراتیسم آن، ضامن قدرت حیات این نظام و توانایی اش در پیشرفت مستمر است.

به بیانی دیگر، سراسر هفتاد سال تاریخ سوسیالیسم در سرزمین شوروی و پراتیک کنونی حرکت پر شتاب به سوی وضعیت کیفیتا نوین جامعه، گرایش و خصلتی پایه ای از نظام نوین همچون رشد و تکامل متمرکز حرکت بلا انحراف به پیش با وضوح تمام نمایان می سازد. جامعه ای که در کشور ما بنا شده سوسیالیسم رشد یابنده، بالنده و فرا رینده است. بنیان گذاران مارکسیسم با "تئوریسین" های سوسیالیسم دروغین که می کوشیدند جامعه آینده را "نه همانند چیزی دائماً متغیر و در حال پیشرفت، بلکه همچون چیزی ثابت و یک بار برای همیشه استقرار یافته..." متجنس کنند که مبارزه ای قاطع می برداختند. آنان کسانی را که مدل های محقرانه و تنگ نظرانه ای از آینده ترسیم می کردند به باد استیزا می گرفتند. در این مدل ها به طور دقیق شرح داده می شد که در چنین دنیا شایسته که به گونه ای ایده آل طرح ریزی و برنامه ریزی شده است چه چیزی از پیش چه چیز خواهد آمد و اوضاع بر کدام بنوال خواهد بود.

اصل رشد و تکامل و نو سازی که از ابتدا در بنیاد سوسیالیسم واقعی قرار داشته باشد در مراحل عطف تاریخ با نیرویی ویژه عمل کرده و در فعالیت آگاهانه و هدفمند مردم متجسم می گردد. قوانین دیالکتیک در مرحله کنونی نیز خصلت شکل گیری و تکامل فرمانیون نوین را تعیین می کنند. و امروز برای سوسیالیسم، زندگی از خلال تضادهایی که پیش می رود که به زبان استعاره حارکس "از راه لطف و آرامش" به هیچ وجه حل نمی شوند. سوسیالیسم رشد یابنده این چنین است: مبارزه دشوار و گاهی فرساینده نو و کهنه، و رفع دوره های رکودی که با تسریع حرکت و اعتلا به مدارج عالی تر پیشرفت جاننشین می شوند.

هرگونه تلاش در جهت آن که توجه ما صرفاً بر تثبیت دستاوردها و بر - ارزیابی آرامش بخش کارهایی انجام شده متمرکز کرده، ناگزیر به جدی ترین ضایعات در اقتصاد و عرصه های اجتماعی و ایده ای - اخلاقی، و به جمود زندگی معنوی خواهد انجامید. شکسیر دریافته بود که: "... زمان - با کام های کوناگون، با انسان های کوناگون راه می رود... او با کسی لکه می رود، با کسی بورتمه، با کسی چهار نعل، و با کسی در جای خود ایستاده است." قانون تاریخ بدین گونه است: تنها کسی به پای زمان می رسد که خود آن را تسریع می کند و از نیازهای زمان عقب نمی ماند. انقلابی بودن و وفادار بودن به درفش و ایده آل های اکتبر، امروز درست به این معناست. بعد از قرن ها اندیشه شاعر کبیر دوره تجدید حیات، آلکساندر تواردوفسکی از لابلای سطور طنین - اندازی می شود:

راه هموار نیست
و صعود هم دشوار،
اما تو خواه بزرگ باش خواه کوچک،
فقط به پیش،
در پی روزی که می گریزد،
آن چنان که در خط آتش.

در این راه "وقفه مصیبت می آورد"، عقب ماندن همان شکست است. زمان به ما حکم می کند با احساس مسئولیت در برابر تاریخ، با شتاب اکتیو عمل کنیم.

بی تردید هفتاد و دومین سال اکتبر کبیر شاخص اعتلای سراسری کار خواهد بود. کلکتیوهای تولیدی پیشرو، کار ضربتی را برای پیشواز از این مناسبت تاریخی پیشنهاد کرده اند. سالگرد انقلاب اکتبر زمان فعال کردن اندیشه اجتماعی نیز هست. این اندیشه صرفاً بر سر مردن دستاوردها و مقایسه ارقام امروزی با آمار و ارقام قبل از اکتبر را بر عهده ندارد. همان گونه که در قرار کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. در باره مجله "کمونیست" آمده است باید با تمرکز توجه بر وظایف "هنوز انجام نشده" (لنین) تجربه جامع الاطراف حزب و خلقمان را از جوانب مختلف به نمایش بگذاریم. به ویژه امروز، تحلیل رابطه متقابل ایده آل های اکتبر و مشی کنونی حزب، و نشان دادن نقش جهانی - تاریخی انقلاب اکتبر، جوهر بشردستانه این انقلاب، و خصلت نوآرانه و بدیع تحولات سوسیالیستی در کشور از اهمیت خاصی برخوردار است. اشتباهات و لغزش هایی که در راه صعب و تاریخی خلق شوروی رخ داده است، نادیده نخواهد ماند. حزب لنین در چرخش های تند تاریخ از این پدیده ها ارزیابی شایسته به عمل آورده و همواره راههای صحیح پیشرفت آتی در مسیر اکتبر را یافته است. امروز هم، عمل و اندیشه انسان های شوروی و سیاست انقلابی و نوآرانه حزب از روح و سنن سال فراموش نشدنی ۱۹۱۷ تفکیک پذیر نیست. رابطه زنده اعصار، خلل ناپذیر است.

سال به سال بشریت کهن تر و در عین حال جوان تر می شود. حیات اجتماعی پیوسته نومی شود، با ورود به سال نو، سال ۱۹۸۷، گامی دیگر به آینده می گذاریم. آینده را از فردی کردن و کار کردن برای آن که ایده آل های بشر دوستی، اخلاق، و عدالت سوسیالیستی جامعه عمل ببوشند. چنین است جوهر فعالیت حزب کمونیست ما. همانند هفتاد سال پیش، با موافق قرن بر بادبان سوسیالیسم می وزد. انقلاب ادامه دارد.

* * *

(۱) اسبق - کول. این کرد عمامی در سال گذشته به ابتکار شخصی نویسنده معروف اتحاد شوروی چنگیز آیتماوف در فرقیستان برگزار شد و شخصیت های فرهنگ و هنر شوروی و صاحب نظران مسائل انسانی و فرهنگی در آن شرکت داشتند. نام کنفرانس از دریایچه ای در فرقیستان شوروی گرفته شده است. م.

(۲) "به فتح شده و ثبت شده" نام مقاله ای است از لنین که در ۶ مارس ۱۹۱۹ در پرارودا به چاپ رسیده است. این مقاله چنین آغاز می شود: "تنها آن چیزی در انقلاب پایدار است که توده های پرولتاریا آن را فتح کرده باشند و تنها آن چیزی شایسته ثبت است که واقعا به طور پایدار فتح شده باشد." م.

(۳) کزیبشف. شهری در اتحاد شوروی - م.

(۴) بازرسی دولتی، این امر به مفهوم آن است که در موسسات تولیدی کمیسیونی از کارکنان متخصص و خبره همان موسسه تشکیل می شود و محصولات را در پایان خط تولید مورد کنترل قرار می دهد و کیفیت آن را واری می کند. این کمیسیون ماضن آن که در آشکار کردن معایب و نواقص و نارسائی های محصولات نقش دارند، خود نیز به امر طرح ریزی و به کارگیری مکانیسم هایی که این نارسائی ها را برطرف نماید بازی می زنند. م.

زنده باد سوسیالیسم!

گزارشی از وضعیت نان، برنج، گوشت

از دوشماره پیش به درج سلسله گزارش‌هایی از تهران اقدام کردیم. "اخراج رها خرید کارگران" و "وضعیت بلزین" عناوین بخش‌های چاپ شده قبلی این گزارش بودند. در این شماره به درج گزارش درباره برخی مایحتاج مردم می‌پردازیم.

ساعت‌ها در صف نان

با وجود آنکه سهمیه آرد نانوبایی‌ها چندان تغییری نکرده است صف‌های جلوی نانوبایی‌ها روز به روز طویل‌تر می‌شوند. مهمترین عامل آن گران شدن فوق‌العاده قیمت برنج است. شایعه کوپنی شدن نان که به نظر نمی‌رسد صحت داشته باشد، همه جا بر دهان‌هاست. کوپنی شدن نان را می‌توان شایعه نامید زیرا حکومت خوب می‌داند افزایش قیمت نان به چه معناست.

دولت آرد را با قیمت ۸ ریال در اختیار نانوبایی‌ها می‌گذارد. قیمت آزاد آن کیلویی ۶۰ ریال و با بیشتر است. بسیاری نانوبایی‌ها مقداری از سهمیه آرد خود را به قنادی‌ها و ساوندویچی‌ها به قیمت ۶۰ ریال می‌فروشند. اما همانطور که گفتیم مهمترین عامل طولانی شدن صف جلوی نانوبایی‌ها افزایش تقاضاست. مردم فقط با نان می‌توانند شکم خود را سیر کنند. کمبود نان بویژه در جنوب تهران کاملاً چشمگیر است. مثلاً عصرها از ساعت ۶/۵ و صبح‌ها از ۷/۵ به بعد نان گیر نمی‌آید. از شمال شهر تهران هرچه بطرف جنوب برویم بر طول صف‌های نان افزوده می‌شود. باید اضافه شود از وزن هر عدد نان هم کاسته شده است مثلاً هر عدد نان بربری ۱۰۰ گرم سبک‌تر از وزن رسمی آن است.

نوع سهمیه آرد نانوبایی‌ها هم کاملاً نسبت به سابق فرق کرده است. اکنون گندم آن کاملاً نامرغوب است و "قاپلی" دارد. سابقاً گندم تفکیک می‌شد و نوع مرغوب گندم داخلی را

برای نانوبایی‌ها منظور می‌داشتند ولی حالا اینطور نیست به همین دلیل وقتی خمیر در تنور قرار می‌گیرد، خودش را نمی‌گیرد و خمیرگیر مجبور است تا آن‌جا که امکان دارد به آن نمک اضافه کند. نان‌ها اغلب کاملاً شور هستند. و بامثلان بربری بعد از یکی دو ساعت مانند چوب می‌شود و کیفیت سابق را ندارد و طبعاً مردم از این وضعیت به شدت ناراضی هستند.

برنج، بیک کالای لوکس

با برداشت محصول تازه برنج، رژیم در ماههای تابستان و همچنین مهر کوپن برنج سهمیه‌ای که برنج خارجی است را اعلام نکرد و برنج نیز مانند سایر کالاهای ضروری و خوراکی نسبت به سال گذشته باز هم گرانتر شد. مثلاً در مهر و آبان امسال بهای هر کیلو برنج نسبت به ماههای مشابه سال گذشته ۲۰ تا ۲۵ تومان گرانتر گردید. پارسال در اوایل آبان، برنج بی‌نام کیلان در خرده فروشی‌های تهران هر کیلو ۲۵ الی ۴۰ تومان بود که امسال در این تاریخ به ۶۰ الی ۶۵ تومان رسید. برنج دمیاه که سال گذشته در اوایل آبان ۴۸ الی ۵۰ تومان بود به ۷۰ الی ۷۵ تومان رسید.

به روال سال‌های قبل در زمستان برنج گرانتر می‌شود و همینطور ادامه می‌یابد تا عید، سپس از آن به کیلویی ۱۰۰ الی ۱۵۰ تومان می‌رسد. بنابراین تولیدکننده سعی دارد بسته به وضعیت مالی خود در برنج راه به فروش برساند، مصرف کننده اگر بتواند می‌خواهد زودتر و کلی‌تر بخرد و تاجران در پی انبار کردن و احتکار برنج هستند. در این میان آنکه قدرت مالی بیشتری دارد توفیق بیشتری می‌یابد. شالیکاران تهی‌دست مجبورند هرچه زودتر برنج خود را بفروش برسانند. اما دهقانان شالیکار مرفه بسته به وضعیت خود، برنج را با قیمت‌های بهتری می‌فروشند. در میان خریداران نیز همین وضعیت حاکم است. زحمتکشان که حتی از خرید برنج مصرفی فوری خود نیز عاجزند.

در مقابل تاجران بلافاصله پس از برداشت برنج نو شروع به خرید و انبار کردن آن کردند. در چند مورد مأمورین به فروش موجودی چند انبار برنج، به قیمت دولتی دست زدند اما این موارد هم یا به درگیرهای بین خودشان مربوط می‌شد و یا انبار متعلق به فروشندگان خرید بود.

وضع بد اقتصادی مردم، یا مصرف برنج را از غذای روزانه حذف کرده و یا نوع آنرا به نوع نامرغوب تبدیل نموده است. کسانی که پارسال برنج دمیاه مصرف می‌کردند امسال از برنج "بی‌نام" استفاده می‌کنند. فقط انبار مرفه و با درآمدهای بالا قادرند برنج ۷۵ تومانی مصرف کنند. زحمتکشان که قبلاً از برنج بی‌نام استفاده می‌کردند امسال مجبورند بدست آوردن برنج آمل که برنج نامرغوبی است را غنیمت بدانند. همین برنج آمل که پارسال کیلویی ۲۵ تومان بود امسال به ۴۰ الی ۴۲ تومان رسیده است.

گوشت از رژیم غذایی

زحمتکشان حذف شده است

از وضعیت گوشت حتماً اطلاع دارید. از مدت‌ها پیش کشتار در تهران ممنوع شد منظور کشتار کوسفند است. کشتارگاه تهران چند ماهی است که تعطیل شده است. البته بطور قاچاقی در تهران کشتار میشود. گوشت کوسفند در تهران به ۲۰۰ الی ۲۲۰ تومان رسیده است. تعداد زیادی از کله‌بزی‌های تهران تعطیل شده‌اند. آنها که هنوز فعالیت دارند باید از دماوند و سایر شهرستان‌ها "کله" بخرند. در شهرستان‌ها گوشت کوسفند کیلویی ۱۵۰ تومان است. اما نرخ دولتی فقط روی کاغذ است. قیمت رسمی گوشت بیخ زده کوپنی کیلویی ۴۰ تومان است. در سال گذشته در همین موقع می‌توانستی بایکی دو ساعت ماندن در صف، گوشت ۷۵ تومانی گیر بیاوری. اما حالا با اینکه کوپنی شده با ۵ ساعت ماندن در صف، آن هم با دعوا ممکن است یک کیلو گوشت کیرت بیاینی. خلاصه گوشت از

بسیاری از سفره‌ها حذف شده است. مردم به جای آن خرما و سیب زمینی و... را جانشین کرده‌اند. سفره‌ها روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود نگرانی از آینده، نگرانی از قحطی و گرسنگی، به عیان در چهره زحمتکشان دیده می‌شود.

وضعیت سوخت خانگی

با تشدید حمله رژیم عراق به پالایشگاه‌ها وضعیت سوخت نیز بدتر شد. در مهرماه امسال که صدام حسین به پالایشگاه گاز شیراز حمله کرد اکثر وسایل، بویژه ناوایی‌ها که گازسوز هستند کارشان مختل شد. و مردم این شهر چند روزی نان برای خوردن نداشتند. وضعیت گاز کیسولی بویژه بوتان گاز (که بیشترین نوع کیسول در ایران است) در تهران و شهرستان‌ها بشدت بحرانی شده است. در جلوی کارخانه بوتان گاز واقع در تقاطع خیابانهای شمشیری و قزوین که مردم برای دریافت گاز مراجعه می‌کنند، طول صف کیسول‌ها تا سه راه آذری یعنی نزدیک به یک کیلومتر می‌رسد.

در محلات مختلف تهران، بویژه جنوب شهر از ساعت ۵ صبح کیسول‌ها را در صف می‌گذارند و این در حالی است که معلوم نیست ماشین گاز بیاید یا نه. دزدان کیسول هم زیاد هستند. در برخی موارد دیده شده است که صاحب کیسول نه تنها گاز کیرش نیامده بلکه کیسول خود را هم از دست داده و دست خالی به خانه برگشته است. اگر ماشین گاز بیاید مردم نمی‌گذارند حتی یک کیسول هم با خودش برگرداند. دیده شده است که مردم در مسیر حرکت ماشین حامل کیسول‌های گاز، آنرا بزور متوقف کرده و همانجا گاز را توزیع کرده‌اند. امسال در تابستان و مهر کوپن‌های نفت از طرف دولت "اعلام" نشد. بسیاری از مردم که در نظر داشتند در تابستان در یکی دو بشکه‌ای که خریداری کرده بودند اندکی نفت ذخیره کنند در این امر ناکام ماندند. پس از آن نیز توزیع نفت با صورت نگرانی یا بسیار نامنظم و "شانسی" بود. در سال گذشته در شهریور و مهر هر لیتر کوپن نفت ۲۲ الی ۲۵ ریال بود ولی امسال کوپن نفت به ۳۵ ریال رسیده است.

با توجه به وضعیت گاز و کله، نفت، گاز و خاموشی‌های طولانی و هر روزه برق مردم زمستان سختی را می‌گذرانند.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

شهرها:

تابلوی خون گرفته‌ای از جنازه و آوار و آوارگی

بقیه از صفحه اول

او مسانده تا تو بگیری. پدری که هر روز دخترت پا به پای تو به مدرسه می‌آمد امروز فقط همان پاهای او باقی مانده است. گریه، فریاد و ناله، سوگ سربه دیوار کوباندن، مشت در خاک فشردن... (کنیهان ۱۸ بهمن).

این تصویر مختص میانه نیست. اکنون بسیاری از شهرهای ایران و عراق، هر روز این گونه عرصه جلوه‌گری جنایتکارهای خمینی و سد ام اند.

هر روز چند "میانه"

هفته گذشته اورمیه، تبریز، قم، نهاوند، بروجرد، کوه‌دشت، مراغه، اصفهان، اراک، همدان، شوشتر، زنجان، تهران، ملایر و... چنین فجایعی را - بعضاً چند بار - به چشم دیدند و در هفته‌های پیش از آن... هر روز چند "میانه". همه شهرها اکنون تابلوی خون گرفته‌ای از جنازه و آوار و آوارگی هستند. هر روز صدها نفر داغ موشکها بر پیکرشان می‌نشیند و نشان زیر آوار له و لوروده می‌شود. در آغاز هفته گذشته تعداد کشته شدگان ناشی از بمبارانهای هوایی از آغاز دور جدید جنگ شهرها پس از حمله کربلای ۵ را ۲۰۰۰ نفر و تعداد مجروحین این فجایع را ۹۰۰۰ نفر اعلام کردند. این ارقام عدا کوچک شده‌اند تا از دامنه وحشت سراسری در ایران بکاهند.

اکنون آسمان شهرهای ایران در تسخیر هواپیماهای عراقی هستند. به یکباره تا ده فرزند آنها از راه می‌رسند و با آرامش تمام شهر را به موشک می‌بندند. موشکهایشان که تمام شده، نوبت به مسلسل می‌رسد. در اورمیه و چندین شهر دیگر هواپیماها با مسلسل مردم را درو کرده‌اند. اکنون مردم در ایران برای توصیف حالت آزادی عمل هواپیماهای مهاجم می‌گویند کم مانده است خلبانهای عراقی جنگنده‌هایشان را در خیابانها فرود آورند و به خودشان با مشت و لگد به جان مردم بیفتند. کار ضد هوایی های رژیم، گسترش وحشت در سطح شهر است. آنها با هواپیماهای مهاجم در کشتار مردم نیز همدستی می‌کنند. کنیهان ۱۸ بهمن از قول یکی از مقامات

نظامی می‌نویسد: "در جریان شلیک یک واحد پدافند در تهران (در روز ۵ شنبه ۱۶ بهمن)، به علت عمل نکردن چند گلوله ضد هوایی در آسمان و برخورد با زمین، خسارات جزئی (۱) به چند باب منزل و چند دستگاه اتوموبیل وارد شد. همچنین دو تن در این جریان به طور خیلی سطحی (۱) مجروح شدند. از درز پیدا کردن این خبر در روزنامه‌های رژیم می‌توان حدس زد خسارات وارده تا چه حد جزئی و "جراحات" وارده تا چه حد سطحی بوده‌اند.

خمینی به بغداد چشم دوخته است، صد ام به تهران

در هفته گذشته خمینی به اهالی بغداد - که در شب شنبه ۲۵ بهمن شاهد فرود آمدن یازدهمین موشک پس از دور جدید جنگ در شهر خود بودند - اخطار کرد این شهر را تخلیه کنند. صدام حسین نیز اعلام کرد از این پس به طور مرتب تهران را در هم خواهد کوبید.

تهران اکنون هفته‌ای چند بار مورد حمله قرار می‌گیرد. در جریان بمباران روز ۲۴ بهمن به یکباره ۱۱ نفر از تهران (از جمله مجیدیه، پل سید خندان و برق آلتوم) هدف هواپیماهای عراقی قرار گرفتند.

در ساعت ۲/۲۰ بامداد روز بعد، پس از حمله مجدد جنگنده‌های عراقی سه انفجار شدید تهران را



هفت سال جنگ، هفت سال بمبارانهای هوایی، هفت سال آوارگی

لرزاند.

شده است. همواره جو اضطراب بر شهرها حاکم است، شهرهایی که برق ندارند و شبها در تاریکی مطلق به سر می‌برند. هواپیماها سر می‌رسند و جای جای کشته و ویرانی برج می‌گذارند. هر روز تشییع جنازه، هر روز عزاداری و مردم در خانه‌ها و در کوچه‌هایشان گودالهایی حفر می‌کنند تا بتوانند در آنها پناه جویند. این پناهگاه که مثل گور آماده بلعیدن جنازه هستند، حس حضور مرگ در شهرها را تشدید کرده‌اند.

در روز شنبه ۲۵ بهمن سرفرماندهی ارتش عراق، پس از این که هواپیماهای عراقی در ظرف چند ساعت شهرهای تهران، اصفهان، تبریز، زنجان، ملایر، رشت، کوه‌دشت و پلدختر را به موشک بستند، اعلام کرد که شهرها نیز بخشی از چپه هستند و بمباران آنها کماکان ادامه خواهد یافت. مسئولین رژیم خمینی نیز هر روز از تداوم کشتار سخن می‌گویند. خمینی جلاد دیوسیرت در روز ۲۳ بهمن از مردم خواست هنگامی که پس از حملات هوایی از زیر آوارها بیرون می‌آیند، فریاد جنگ جنگ تا ناپودی سر دهند. مردم به راستی فریاد ناپودی سر می‌دهند. مادران داغدار، پدران زنجیده، اطفال یتیم و مجروحین بی‌دست و بی‌پا، در شنج‌هایشان، در ناله‌هایشان و در فریادهایشان برای ناپودی جنگ و رژیم خمینی صلا می‌دهند.

در آغاز هفته جاری مدارس تهران را به مدت ۱۰ روز تعطیل اعلام کردند. در هفته‌های پیش علی‌رغم این که تهران بارها بمباران شده بود، مردم از شهرهای دیگر به پایتخت رو می‌آوردند تا در این شهر پناه گیرند. اما اکنون مردم دسته دسته تهران را ترک می‌گویند. اما مردم در کجا می‌توانند این باشند؟ غریب جنگ همه جا حضور دارد.

تداوم کشتار در شهرها

زندگی مردم کاملاً بهم ریخته

سلاحهای آمریکایی و تب جنگ طلبی خمینی

نیز قطعات موشکهای هاوک که اخیراً به خمینی تحویل داده شد، نقش مهمی در پیشبرد جنگ دارند.

این موضوع که سلاحهای تازه اهدا شده به خمینی، چه تاثیری بر روی جنگ دارند، مساله چندان بفرنجی نیست و مسلماً خود دریا سالار نیز شاخص های حل آن را می‌شناسد. کافی است فرد به بالا گرفتن تب جنگ طلبی خمینی و موج جدید کشتار در شهرها و جبهه توجه کند، تا دریابد سلاحهای آمریکایی و پشتیبانی آمریکا از تداوم جنگ، چه نقشی را در پیشبرد کشتارهای دسته جمعی در ایران و عراق، ایفا می‌کند.

به گزارش آسوشیتد پرس از واشنگتن، اکنون یکی از مشغله‌های فکری مقامات نظامی آمریکایی که در قضیه پرونده سروصدای کمک تسلیحاتی به خمینی مستقیماً دخیل هستند، این است که دریابند، سلاحهای اعطایی به جمهوری اسلامی تا چه حد در پیشبرد جنگ به نفع خمینی و تشدید خورنریزها موثر واقع بوده است. دریا سالار کروو، یکی از دست اندرکاران مستقیم "قضیه ایران"، در هفته گذشته اعلام داشت هنوز زود است که از "ارزش" سلاحهای اعطایی به خمینی، برآوردی ارائه شود. وی گفت نامسل می‌دانیم که موشکهای ضد تانک تاو و

دانش آموزان در آتش کین دور زیم جنایتکار

بقیه از صفحه اول

به اتحادیه بین المللی دانشجویان نیز تاکید گردیده است ، در همین گردهمایی برای هر دبیرستان و حتی مدرسه راهنمایی سهمیه حداقلی جهت اعزام دانش آموزان به مسلخ جنگ تعیین شد. مدارس راهنمایی دانش آموزان ۱۴ - ۱۱ ساله را شامل می شوند. معاون پرورشی آموزش و پرورش اعلام کرد:

"از هر دبیرستان پسرانه و یا مدرسه راهنمایی واجد شرایط حداقل ۲۰ دانش آموز داوطلب به همراه ۲ تن از پرسنل داوطلب راهی جبهه های نبرد یادش یعنی خواهند شد. اولین اعزام روز ۲۰ بهمن ماه جاری انجام می شود و مدت حضور در مناطق عملیاتی بین ۴۵ روز تا سه ماه خواهد بود." (کیهان ۸ بهمن)

در شرایطی که برای هر مدرسه سهمیه تعیین می شود قید واژه "داوطلب" تنها برای فریب است. کلیشه اطلاعیه مامورین رژیم خمینی برای به مسلخ کشاندن دانش آموزان را در همین صفحه مشاهده می کنید.

اما مرگ، تنها در جبهه ها نوبهالان ما را در نمی کند. مرگی که از آسمان بر دانش آموزان ما فرود می آید، مرگی که صدام حسین مسبب مستقیم و خمینی مبیحاکر آنست در هر کوی و برزق در کمین است. جدا از تعداد کثیر کودکان و نوجوانانی که در بمباران شهرها در کنار دیگر بستگان خود در خون غلتیدند، هستی انبوهی از دانش آموزان در سرکلاس های درس یک جابه آتش کشیده شد.

در روز ۲۰ دی ماه در بمباران

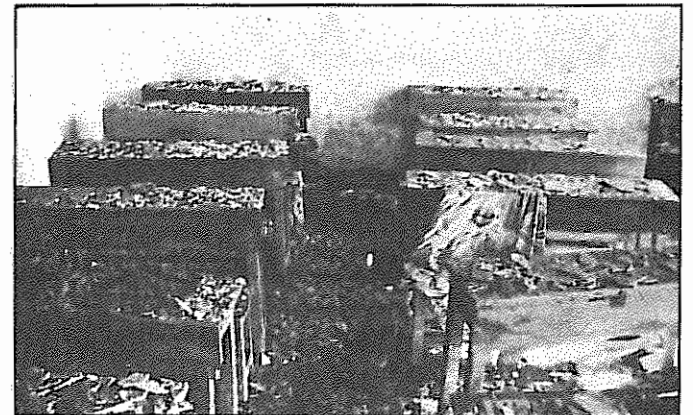
مدرسه ای در بیروجرده ۶۵ دانش آموز کشته شدند. مبلغین رژیم جنگ طلب خمینی شاد بودند که توانسته اند در افشای این جنایت حکومت عراق عکس تهیه کنند که "توسطم خبرگزاری های جهان مخابره شد."



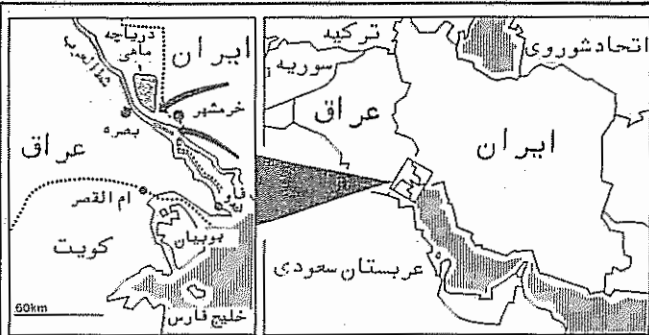
در همان زمان اعلام شد که ۹ مدرسه و دو دانشگاه (دانشگاه های تبریز و ملی) بمباران شده اند. در مدرسه از این تعداد اختصاص به کودکان استغنائی داشته است.

در میانه دانش آموزان یک دبستان و یک دبیرستان کشتار شدند. در روز یکشنبه ۱۱ بهمن در دبیرستان دخترانه زینبیه میانه ۶۸ تن از دانش آموزان در آمیزه جنایت خمینی و صدام حسین یکجا سوختند.

اکنون با بمباران شهرها توسط ارتش رژیم سفاک صدام حسین مدارس کشور یک به یک تعطیل می شود. در شهرهای بمباران شده آموزش و تحصیل بکلی متوقف شده است و خمینی خشنود است که در چنین شرایطی می تواند کودکان و نوجوانان بیشتری را به مسلخ جبهه ها بکشد.



تادیر و زبروری این نیمکتها زندگی بود. امروز روی آنها مرگ خیمه زده است.



این تکه خاک، هر روز صدها زنده را می بلعد

بمبشی از جبهه جنوب که به سوی بصره ست گیری کرده بود، همچنان داغترین کانون جنگی در امتداد خطوط جبهه است. مساحت این بخش که اکنون مرکز اصلی آن شرق دریاچه مامی است، اندک است اما این تکه خاک هر روز صدها زنده را می بلعد. اکنون این عراق است که در این ناحیه دست به حمله می زند. در اوایل هفته گذشته جمهوری اسلامی ضمن اعتراف ضمنی به این موضوع اعلام کرد که حملات عراق را بی اثر گذاشته است. عراق در عوض ضمن تاکید بر ۴۴۸ مورد حمله هوایی به مواضع نیروهای ایرانی، حملات خود را موفقیت آمیز ارزیابی کرد. ژنرال

بمبشی از جبهه جنوب که به سوی بصره ست گیری کرده بود، همچنان داغترین کانون جنگی در امتداد خطوط جبهه است. مساحت این بخش که اکنون مرکز اصلی آن شرق دریاچه مامی است، اندک است اما این تکه خاک هر روز صدها زنده را می بلعد. اکنون این عراق است که در این ناحیه دست به حمله می زند. در اوایل هفته گذشته جمهوری اسلامی ضمن اعتراف ضمنی به این موضوع اعلام کرد که حملات عراق را بی اثر گذاشته است. عراق در عوض ضمن تاکید بر ۴۴۸ مورد حمله هوایی به مواضع نیروهای ایرانی، حملات خود را موفقیت آمیز ارزیابی کرد. ژنرال

کلن :

برای صلح ، آزادی و سرنگونی رژیم خمینی



روز ۲۴ ژانویه در شهر کلن رفقای فدایی و توده ای در اعتراض به جنایتکاریهای اخیر رژیم جمهوری اسلامی تحت عنوان "کربلاهای ۶۰۵،۴"، تقاضای استادهای برپا نمودند که مورد حمایت نیروهای مترقی و صلحدوست این شهر قرار گرفت. تقاضا کنندگان که شعارهایی چون "زنده باد صلح ، زنده باد آزادی ، مرگ بر خمینی" و "و به جنگ خلیج پایان دهید"، را به زبان آلمانی فریاد می زدند، خواهان قطع صدور اسلحه به ایران و عراق شدند. همچنین در طول تقاضا رفقای فدایی و توده ای همصدا سرود "هموطن متحد

پیش سوی صلح" را چندین بار خواندند. شرکت کنندگان در تقاضا با حمل پلاکاردهای متعدد و پخش هزاران تراکت و اعلامیه و با بحث و گفتگو رهگذاران را در جریان جنایتهای اخیر رژیم خمینی و صلخواهی مردم ایران قرار دادند. تعداد بسیار زیادی از رهگذاران با امضا کردن متن هایی به محکوم کردن جنگ ایران و عراق پرداخته، خشم و نفرت خود را از رژیم پلید خمینی اعلام و از خواستهای برحق مردم ایران در مبارزه علیه جنگ و برای صلح و آزادی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پشتیبانی نمودند.

منفجر و یا به آتش کشیده اند... مردم به خاطر چه باید چنین قیمت و حشمتی را به شما بپردازند؟"

مهرا لجه با چه کسی؟

دبیر کل ج. د. خ. ا. در بخش دیگری از سخنان خود در پاسخ به این پرسش که "ما با کی مصالحه می‌کنیم؟" اظهار داشت: "با تمام وطن‌پرستان صادق افغانستان صرف نظر از اختلافات، خصومت‌ها و آزرده‌گی‌های گذشته، ما با احزاب، گروه‌ها و فرآکسیون‌های سیاسی مصالحه می‌نماییم. ما حاضر و آماده‌ایم تا به وطن همه آنانی را بپذیریم که قبلاً نتوانسته‌اند به ما بپیوندند. ما تمام گروه‌های مسلح مخالف در داخل کشور... تمام افغانانی را که در خارج به سر می‌برند به مصالحه و به عودت به وطن دعوت می‌کنیم. ما به مهاجرین خطاب نموده از تمام وطن‌پرستان صادق دعوت به عمل می‌آوریم تا به امر اعمار زندگی نوین در کشور خودشان سهم بگیرند." نجیب افزود: "ما نمی‌خواهیم سازمان‌های اسلامی، گروه‌های مختلف سیاسی میانه‌رو و سلطنت‌طلب و سران گروه‌های مسلح ضد دولتی را که در خارج فعالیت می‌نمایند از پروسه مصالحه ملی مستثنی‌سازیم... ما می‌دانیم که دشمنان مصالحه کم نیستند. بگذار آنها از اینکه ما آنها را می‌شناسیم، به یاد داریم و از آنها نام می‌بریم مغرور نشوند. ما به خاطری از آنان نام می‌بریم تا مردم افغانستان دشمنان خود را بشناسند. گروه‌های افراطی هر نوع مذاکرات و مصالحه را با ما رد نموده و به ادامه مقاومت مسلحانه تا سرحد سرتوئی حاکمیت مردمی اصرار می‌ورزند." رهبر افغانستان تاکید کرد: "جنگ و برادرکشی به خاطری جریان دارد که امپریالیزم جهانی و همه مرتجعین می‌خواهند افغانان صادق را جاودانه در زنجیر عقب‌ماندگی اقتصادی و فرهنگی بسته نگه‌دارند. مثنی از خائنین و لاشخواران کثیف در عقب این امر قرار دارند. آنها علاقه‌مند جنگ و برادرکشی بوده به هر وسیله ممکنه آن را تشدید می‌بخشند. آنها در برابر مصالحه مقاومت می‌ورزند زیرا برادرکشی برای آنها امکان ثروت‌اندوزی را می‌دهد... اینها انسان‌های خطرناکی هستند اما ما حاضر و آماده هستیم تا حتی با آنها نیز به مذاکره بپردازیم. اما بگذار آنها حوصله‌مندی ما را به حیث علامت ضعف ما تلقی نکنند."

افغانستان صلح می‌خواهد

* سباست "آشتی ملی" یک گام نهور آمیز تاریخی

صلحجویانه را به خاطری برداریم که نسبت به هر وقت دیگر نیرومندتر هستیم. بسیاری از مواردی که سابق مهم محسوب می‌گردید به مرور زمان اهمیت خود را از دست داده است، بسیاری از تصورات نقش بر آب گردیده‌اند. امروز ما همان انسان‌هایی نیستیم که هشت سال قبل بودیم، بشریت زندگی و رشد می‌کند، رهبران تبدیل می‌گردند. مردمان خردمندتر می‌شوند و در آن زمان درک بهبودگی این ویا آن منازعه به خصوص که به قیمت زندگی مردم تمام می‌شود، آغاز می‌یابد. پروسه انقلابی در افغانستان برکشت‌ناپذیر بوده و آن را نمی‌توان توقف داد. زمان توقف را نمی‌پذیرد. افراطیون چندبار اعلام کردند که به قدرت انقلابی خاتمه می‌دهند، آنها در طی شش سال میعادهای زیادی را تعیین کرده‌اند، اما ج. د. خ. ا. زنده است، نیرومندی‌شده و موفقانه مبارزه می‌کند. جنگ ما وشاراخته می‌سازد. اما باید عهده‌ترین مطلب را بفهمیم که جنگ از همه بیشتر مردم را راخته می‌سازد. بیایید به آن خاتمه دهیم."

بخش بعدی سخنان نجیب به بر شمردن گوشه‌ای از دستاوردهای قدرت انقلابی خلق در افغانستان اختصاص داشت. در این باره از جمله آمده است:

"ما ناگزیر به مصرف بودجه خویش برای مقاصد دفاعی گردیده‌ایم. اما علیرغم این همه ما اولین پلان پنج ساله بعد از انقلاب خود را تدوین و تصویب نموده و تطبیق می‌نماییم. ما از چهل تا پنجاه هزار جای جدید کار را ایجاد نموده‌ایم که هر یک از آنها موثر بوده و قیمت تجهیز هر جای کار معادل بیش از یک میلیون افغانی می‌باشد." سپس به ساختمان ۱۳۵ پروژه جدید صنعتی، با سواد شدن ۱/۵ میلیون نفر، ایجاد ۴۰۰ مدرسه و ۱۲۰ بیمارستان و درمانگاه اشاره شده و آمده است:

"اما یک عده افراطیون که علیه ما عمل می‌نمایند چه کرده‌اند؟ ۲۰۰ مکتب و ۱۲۰ شفاخانه را تخریب،

هوایی را متوقف سازند، به هر گونه انتقال و جابجایی سلاح و مهمات در قلمرو افغانستان پایان دهند، مین‌گذاری جاده‌ها را قطع کنند، به اعمال تروریستی و خرابکارانه خاتمه دهند و ورود غیرقانونی خبرنگاران خارجی به افغانستان را متوقف نمایند. اعلامیه‌سین تصریح می‌کند:

"پیشنهادهای ما از نیت پاک ما منشا می‌گیرد. ما برای تفاهم متقابل، برای مذاکرات، سازش و حتی گذشت‌ها آماده هستیم، ولی کسی نباید صبر و حوصله ما را نشانه ضعف ما تلقی کند."

شورای انقلابی ج. د. خ. ا. اعلام کرده است کمیسیون‌های فوق‌العاده آشتی ملی در سطح محلی تشکیل می‌گردند و "عالیترین ارکان مصالحه کمیسیون عالی فوق‌العاده مصالحه ملی در افغانستان می‌باشد." در کمیسیون‌های مزبور، "مسئولین شورای جبهه ملی پدر وطن، بزرگان، متفقدین، ملا امامان و در بعضی موارد، سرکردگان گروه‌های مسلح مخالف" عضویت خواهند داشت. از جمله وظایف کمیسیون‌ها، تأمین نیازهای دهقانان و توزیع کالاها، رسیدگی به مسائل ارضی، ارائه پیشنهاد عفو زندانیان، تعیین قضات، اعزام مشمولین خدمت و تظیفه برای دفاع از مرزها، تصمیم‌گیری درباره بدهی‌های مالیاتی و رسیدگی به مناقشات محلی خواهد بود.

بهبانیه دبیر کل حزب

دمکراتیک خلق افغانستان

دکتر نجیب دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان (ج. د. خ. ا.) در نخستین اجلاس کمیسیون عالی فوق‌العاده آشتی ملی سخنان مهمی ایراد کرد. در این سخنان با اشاره به اهمیت گام تاریخی پیشنهاد آشتی پس و آغاز روند آشتی ملی، آمده است:

"امروز ما می‌توانیم این گام

همانگونه که در شماره‌های اخیر نشریه "اکثریت" گزارش داده‌ایم، رهبری افغانستان برای حل و فصل سیاسی اوضاع پیرامون این کشور، یک گام تهورآمیز تاریخی برداشته و اجرای سیاست "آشتی ملی" را آغاز کرده است. از تاریخ بیست و پنجم دیماه جاری، آتش‌بس یکجانبه‌ای توسط دولت افغانستان به حود اجرا گذاشته شد. رهبری حزب و دولت جمهوری، دمکراتیک افغانستان اعلام کرد آماده مذاکره با اپوزیسیون، از جمله رهبران گروه‌های مسلح است. حزب و دولت افغانستان با احساس مسئولیت عمیق در قبال سرنوشت مردم، و با درک ضرورت مبرم پایان بخشیدن به جنگ و خونریزی در کشور اعلام کردند حاضر به تشکیل دولت انتقالی با شرکت همه گروه‌ها و دستجات سیاسی هستند که حاضر به ترک مواضات باشند.

با تصمیمات جدید رهبری افغانستان، در این کشور همسایه ما دوره نوینی آغاز شده است. نظر به اهمیت تاریخی این تحولات، بر آن شدیم تا خوانندگان نشریه را با اهم مفاد اعلامیه شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان درباره آشتی ملی و اظهارات دکتر نجیب، دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان در کمیسیون عالی فوق‌العاده آشتی ملی آشنا سازیم.

در اعلامیه شورای انقلابی آمده است: "مردم ما تشنه صلح‌اند. در جریان ۸ سال اخیر در وطن ما سیل اشک و خون جاری است. زنان، پیرمردان و اطفال بی‌گناه به قتل می‌رسند، مساجد، مکاتب، خانه‌ها، باغها و مزارع مردم طعمه آتش می‌گردند." اعلامیه با اشاره به این شرایط و برای پایان دادن به جنگ و تحقق صلح در افغانستان می‌افزاید که از تاریخ ۲۵ دیماه سال جاری، نیروهای مسلح جمهوری دمکراتیک افغانستان (ج. د. خ. ا.) هر گونه عملیات جنگی و استفاده از سلاح را متوقف می‌سازند. در اعلامیه آمده است:

"در صورتیکه جانب مقابل جواب مثبت بدهد متاثر که برای مدت ششماه ادامه خواهد یافت. در صورت رعایت آتش‌بس از طرف هر دو جانب مهلت آن می‌تواند تمدید گردد." شورای انقلابی در اعلامیه خود از گروه‌های مسلح مخالف دولت خواسته است و متقابلاً هر گونه حمله به شهرها، روستاها، موسسات اقتصادی، واحدهای نظامی و وسایط نقلیه زمینی و

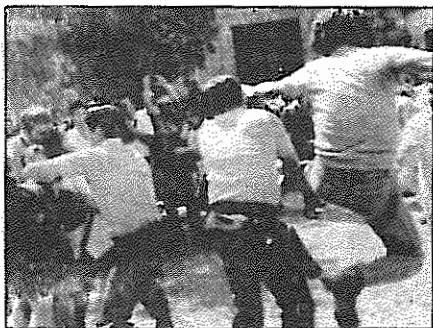
تظاهرات ۵۰ هزار معلم در پاریس

در روز چهارشنبه گذشته نزدیک به ۵۰ هزار معلم از سراسر فرانسه در تظاهراتی که در پاریس در اعتراض به تصویب اختیارات جدید برای مدیران مدارس برگزار شده بود، شرکت کردند. تظاهرات مزبور، نقطه اوج اعتراض معلمان فرانسه به اقدام دولت در جهت افزایش اختیار مدیران بود.

طبق مقررات جدید، مدیران مدارس که پیش از این تنها هماهنگی امور اداری را برعهده داشتند، از این پس نقش مافوق را در سلسله مراتب برعهده خواهند گرفت و در بیرون از مدرسه نیز در همه موارد مدرسه را نمایندگی خواهند کرد.

اخبار کوتاه

* عکس زیر، صحنه‌ای از تظاهرات معلمان اخراجی در سانتیاگو پایتخت شیلی را نشان می‌دهد. اخیراً رژیم پینوشه ۷ هزار معلم را از کار اخراج کرد. یکی از معلمان، خشم خود را با درگیر شدن با یک مأمور پلیس رژیم ابراز کرده است.



* دانش‌آموزان اسپانیا به تظاهرات خود علیه مقررات پذیرش داوطلبان به دانشگاه‌های این کشور که عملاً امکان تحصیل عالی را از اکثریت آنان سلب می‌کند، ادامه می‌دهند. این اعتراضات تاکنون به چندین درگیری خشونت‌بار گسترده با پلیس انجامیده است.

* در روزهای سوم و یازدهم فوریه دولت آمریکا علیرغم همه اعتراضاتی که از سراسر جهان به ادامه آزمایش‌های هسته‌ای این کشور صورت گرفته است، دست به انجام دو انفجار هسته‌ای در صحرای نوادا زد. اتحاد شوروی اعلام کرد همانگونه که در پایان سال ۱۹۸۶ خاور نشان ساخته بود، با اولین انفجار هسته‌ای آمریکا در سال جدید آزمایش‌های اتمی خود را از سر خواهد گرفت. دولت شوروی در عین حال تاکید روزیاد آماده مذاکره بر سر قطع آزمایش‌های هسته‌ای است.

* نمایندگان ۱۲ کشور غربی از روز چهارشنبه گذشته در برن پایتخت سوئیس مذاکرات خود را برای هماهنگی کردن سیاست خویش در قبال پناهندگان آغاز کرده‌اند. در این کنفرانس مقدماتی که به دعوت دولت سوئیس تشکیل شده است، به غیر از کشور میزبان، آلمان فدرال، بلژیک، هلند، دانمارک، سوئد، سوئیس، اتریش، فرانسه، بریتانیا، کانادا و استرالیا حضور دارند. میان کشورهای شرکت کننده در مورد مسائل مختلف، از جمله تعریف پناهنده سیاسی، اختلاف نظر وجود دارد.

محاصره غذای اردوگاه‌های فلسطینی توسط اهل

اردوگاه را و ادار به تسلیم بدون قيد و شرط خود و اردوگاه کند. نیروهای اهل در روز جمعه نیز یک کاروان حامل مواد غذایی را متوقف کردند و اجازه ندادند به راه خود بسوی اردوگاه فلسطینی ادامه دهد.

نبرد میان اهل و فلسطینی‌ها در اطراف شتیلا و برج البراجنه همچنان ادامه دارد. چریک‌های عضو سازمان آزادیبخش فلسطین حاضر نیستند این دو اردوگاه را به اهل تسلیم کنند. شبه نظامیان حزب سوسیالیست ترفیخواه به رهبری ولید جنبلاط در این نبردها شرکت ندارند و تنها در مواردی که اهل موافقت می‌کند، به خارج کردن گروه‌های کوچکی از زنان و کودکان از صحنه درگیریها می‌پردازند.

در روز پنجشنبه گذشته هواپیماهای جنگی اسرائیل مواضع فلسطینی‌ها را در حومه بندر صیدا واقع در جنوب لبنان بمباران کردند. به گزارش پلیس لبنان در این حمله دوتن کشته و سه نفر مجروح شدند.

شبه نظامیان شیعه اهل طی هفته گذشته به محاصره دو اردوگاه فلسطینی شتیلا و برج البراجنه در بیروت ادامه دادند و از رسیدن مواد غذایی به فلسطینی‌ها جلوگیری کردند. با آنکه طبق توافق آتش بس که در روز سه‌شنبه حاصل گردید، اهل متعهد شده بود به یک کاروان حامل مواد غذایی اجازه ورود به اردوگاهها را داده و تخلیه مجروحان فلسطینی را امکان پذیر سازد، این سازمان شیعه روز بعد تعهد خود را نقض کرد. در نتیجه محاصره شدگان در آستانه مرگ بر اثر گرسنگی قرار گرفتند.

در روز جمعه یکی از فرستادگان رژیم خمینی که طامرا برای میانجی‌گری بین اهل و فلسطینی‌ها به بیروت رفته بود، به ضرب گلوله افراد ناشناسی به قتل رسید.

در اردوگاه برج البراجنه حدود ۲۵ هزار فلسطینی سکونت دارند. خطر مرگ بسیاری از آنان را تهدید میکند، اما سازمان اهل تاکنون از رسیدن کمک غذایی به آنها خودداری کرده است. طامرا اهل می‌خواهد از این طریق چریک‌های فلسطینی مدافع

تصویب قانون اساسی جدید فیلیپین

مذاکرات با دولت راجه حالت تعلیق در آورده بود. این جبهه در روز هفت فوریه اعلام کرد تنها به شرطی حاضر است این مذاکرات را از سر گیرد که دولت آکینو اعلام کند حاضر است اصلاحات عمیق در جامعه اجرا کند و به تسلط نظامیان فاشیست بر امور کشور پایان دهد. راموس رئیس ستاد ارتش فیلیپین در روز جمعه ۶ فوریه انقلابیون این کشور را تهدید به "اقدامات سخت گیرانه" کرد.

بدنبال انقضای مدت آتش بس، نبرد میان انقلابیون و ارتش فیلیپین از سر گرفته شد. در روز ۱۰ فوریه در ۸۰ کیلومتری شمال مانیل نبردهای سختی میان طرفین در گرفت که به کشته و زخمی شدن عده زیادی انجامید. ارتش در این نبردها از نیروی زمینی و هلی کوپتر استفاده کرد.

در یک همه پرسی دولت آکینو موفق شد برای طرح قانون اساسی جدید این کشور ۸۰ درصد آرای رای دهندگان فیلیپینی را کسب کند. در این قانون، مدت ریاست جمهوری خانم آکینو برای شش سال دیگر تعینت شده است.

در روز یکشنبه هشتم فوریه، دولت مانیل شرایط "جبهه دمکراتیک ملی" را برای از سرگیری مذاکرات صلح میان دولت و این جبهه رد کرد و اعلام نمود آتش بس منعقد در تاریخ ۱۰ دسامبر سال گذشته میگذدی که به مدت ۶۰ روز ادامه داشت، پایان یافته است.

جبهه دمکراتیک ملی فیلیپین بدنبال قتل عام ۲۲ ژانویه که در جریان آن ارتش و پلیس فیلیپین به روی تظاهرات دهقانان در مانیل آتش گشودند،

اشرا افغانی بک هواپیمای مسافربری را سرنگون کردند

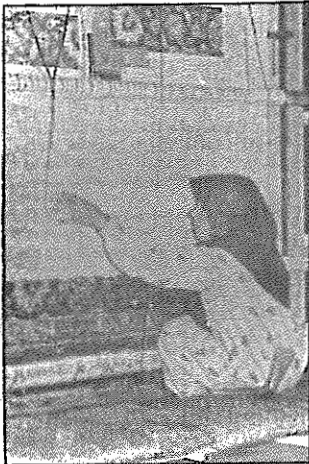
سنت اشعه گرمایی موتر هواپیماها هدایت می‌شود. ضد انقلاب افغانستان مسئولیت سقوط هواپیمای مزبور را برعهده گرفته است. در اسلام‌آباد باند ضد انقلابی موسوم به "یونس خالص" اعلام کرد در شهر جلال‌آباد افغانستان اتومبیلی حاوی یک بمب قوی منفجر کرده که به مرگ ۲۲ تن و مجروح شدن شمار بسیاری انجامیده است.

از سوی دیگر، صاحب‌زاده یعقوب خان وزیر امور خارجه پاکستان برای مذاکره پیرامون اوضاع افغانستان به مسکو سفر کرد. اعلام شده است موضوع این مذاکرات تسریع گفتگوهای است که تحت نظارت سازمان ملل متحد در ژنو میان افغانستان و پاکستان انجام می‌گیرد. قرار بود دور جدید این مذاکرات در روز ۲۲ بهمن آغاز شود اما هفته گذشته اعلام شد این دور از مذاکرات دو هفته به تعریق افتاده است.

ضد انقلابیون افغانی دوشنبه گذشته یک هواپیمای مسافربری را سرنگون کردند. در این حادثه همه ۲۰ مسافر هواپیما که در میان آنان زنان و کودکان نیز بودند، همراه با ۶۰ تن خدمه هواپیما کشته شدند.

خبرگزاری باختر افغانستان گزارش داد هواپیمای آنتونف-۲۶ شرکت هوایی آریانای این کشور اندکی پس از برخاستن از فرودگاه شهر خوست در نزدیکی مرز پاکستان بر اثر اصابت موشک ضد انقلابیون آتش گرفت و سقوط کرد. از میان لاشه هواپیما اجساد قربانیان حادثه به دست آمد.

ناظران اظهار عقیده کرده‌اند که هواپیمای مزبور با یک موشک استیونگر ساخت آمریکا سرنگون شده است. دولت آمریکا در سال گذشته میلادی تعداد زیادی موشک ضد هوایی استیونگر در اختیار ضد انقلابیون افغانی گذاشت. سلاح مزبور قابل حمل است و پس از شلیک، موشکهای آن بطور اتوماتیک به



را شکست و زهرا باز با دست و پایی شکسته و شکنجه شده مجبور بود پشت دار قالی بنشیند.

زهرا و فاطمه سی ماه رنگ آفتاب ندیدند، سی ماه مداوم شکنجه شدند، سی ماه...

بعد از سی ماه، دایه فاطمه و زهرا، پس از کلی این دروآن در زدن، موفق شد، بچه‌ها را از چنگال درنده صاحب کارگاه در بیاورد.

فاطمه خواهر بزرگتر زهرا که اکنون ۱۰ ساله است به خبرنگار کیهان گفته است: "از روز اولی که پدرم مارا به آقای اسماعیل سپرد قالی بافی شروع شد و چون ما قالی بافی بلد نبودیم دانشا کتک می‌خوردیم. مخصوصاً زهرا که توانایی کار کردن نداشت.

روح الامین پسر کارفرما یکبار دست زهرا را با چوب شکست و یکبار نیز پای او را در اثر کتک زدن شکست. دست و پای شکسته او همانطور جوش خورده است. ما همیشه کتک می‌خوردیم و دانشا دست و پا و بدنمان کبود بود.

اگر شیهام که می‌بایست خامه‌ها را باز می‌کردیم به هنگام کار خوابان می‌برد، زن کارفرما دست و پیمان را داغ می‌کرد تا خوابان نبرد. از صبح زود تا شب کار می‌کردیم و غذایمان فقط نان و شیره انگور بود که در ساعت ده صبح می‌خوردیم." (کیهان - ۷ بهمن)

خبرنگار کیهان با اشاره به اعتراف صاحب کارگاه برای گرفتن بچه‌ها نوشته است: "صاحب کارگاه با بیان این نکته که از طریق دفاتر اسناد رسمی و قانونی اقدام به نگهداری بچه‌ها نموده است، از تحویل آنها امتناع نمود. او عنوان کرد که مبلغ زیادی خرج بچه‌ها شده و حالا که بازدهی دارند تحویل آنها مقدور نخواهد بود."

اعتراف صاحب کارگاه برای گرفتن بچه‌ها نوشته است: "صاحب کارگاه با بیان این نکته که از طریق دفاتر اسناد رسمی و قانونی اقدام به نگهداری بچه‌ها نموده است، از تحویل آنها امتناع نمود. او عنوان کرد که مبلغ زیادی خرج بچه‌ها شده و حالا که بازدهی دارند تحویل آنها مقدور نخواهد بود."

جانشین دادستان اسفراين در باره این جریان به خبرنگار کیهان گفته است: "این جریان عیناً بازگو کننده عصر جاهلیت قبل از اسلام است." و در عین حال بر اعتبار قانونی و کالت نامه‌ای که در دفترخانه اسناد رسمی ۲۹ اسفراين در مورد فروش فاطمه و زهرا تنظیم شده، صخه گذاشته است.



پناهندگان متحصن در برابر دفتر امور پناهندگان سازمان ملل در کراچی

غنچه‌های پژمرده

* گزارشی مستند از فروش کودکان در ایران

فاطمه ۷ ساله بود و زهرا خواهر کوچکتر او ۵ ساله که پدرشان آنها را در دفترخانه اسناد رسمی ۲۹ اسفراين به صاحب یک کارگاه قالی بافی فروخت.

پدر بچه‌ها می‌گفت: "خوب وقتی که من نمی‌تونم نان و آب این بچه‌ها را تهیه کنم، پس چه خاکی باید بسم بریزم. بهتر از اینه که چلوچشم از گرسنگی پرپر بسزن. لافل اونجا به تکه نان خشک برای خوردن که گیرشان می‌آد."

اسماعیل صاحب کارگاه، فاطمه و زهرا را از دفترخانه اسناد رسمی بکراست بردشان به کارگاه تاریک و نمور قالی بافی اش. چند کودک جیلاقی و پژمرده، با گونه‌های فرورفته و زرد که چشمانی رنگ‌باخته و بی‌حرکت داشتند و هم سن و سال فاطمه و زهرا بودند، نیز، آنجا پشت دار قالی کز کرده بودند. زهرای ۵ ساله نمی‌دانست کجا آمده است، تا آن موقع دار قالی ندیده بود و با حیرت زل زده بود به بچه‌هایی که انکار نفس از شان بر نمی‌آمد. از صدای شانه‌هایی که بچه‌ها بر دار قالی می‌زدند، زهرا ترسش برداشته بود. بوی نم کارگاه که

روزمای بعد فاطمه و زهرا مجبور بودند، قالی بافی را یاد بگیرند. اسماعیل، ابوالفضل و روح الامین پسر اسماعیل، تا قالی بافتن رایاد بچه‌ها بدهند، استخوانهای نحیف و ترد بچه‌ها را در هم شکستند و تن رنجورشان را در هم کوبیدند. زهرای ۵ ساله که حتی نای برداشتن شانه را هم نداشت، بیشتر از فاطمه زیر مش و لکت فرا می‌گرفت. روح الامین، با ضربه‌های چوب، دوبار دست و پای راست زهرا

فاطمه ۷ ساله بود و زهرا خواهر کوچکتر او ۵ ساله که پدرشان آنها را در دفترخانه اسناد رسمی ۲۹ اسفراين به صاحب یک کارگاه قالی بافی فروخت.

پدر بچه‌ها می‌گفت: "خوب وقتی که من نمی‌تونم نان و آب این بچه‌ها را تهیه کنم، پس چه خاکی باید بسم بریزم. بهتر از اینه که چلوچشم از گرسنگی پرپر بسزن. لافل اونجا به تکه نان خشک برای خوردن که گیرشان می‌آد."

اسماعیل صاحب کارگاه، فاطمه و زهرا را از دفترخانه اسناد رسمی بکراست بردشان به کارگاه تاریک و نمور قالی بافی اش. چند کودک جیلاقی و پژمرده، با گونه‌های فرورفته و زرد که چشمانی رنگ‌باخته و بی‌حرکت داشتند و هم سن و سال فاطمه و زهرا بودند، نیز، آنجا پشت دار قالی کز کرده بودند. زهرای ۵ ساله نمی‌دانست کجا آمده است، تا آن موقع دار قالی ندیده بود و با حیرت زل زده بود به بچه‌هایی که انکار نفس از شان بر نمی‌آمد. از صدای شانه‌هایی که بچه‌ها بر دار قالی می‌زدند، زهرا ترسش برداشته بود. بوی نم کارگاه که

روزمای بعد فاطمه و زهرا مجبور بودند، قالی بافی را یاد بگیرند. اسماعیل، ابوالفضل و روح الامین پسر اسماعیل، تا قالی بافتن رایاد بچه‌ها بدهند، استخوانهای نحیف و ترد بچه‌ها را در هم شکستند و تن رنجورشان را در هم کوبیدند. زهرای ۵ ساله که حتی نای برداشتن شانه را هم نداشت، بیشتر از فاطمه زیر مش و لکت فرا می‌گرفت. روح الامین، با ضربه‌های چوب، دوبار دست و پای راست زهرا

تحصن پناهندگان ایرانی در کراچی

چندی پس از سفر صاحب زاده یعقوب خان وزیر امور خارجه پاکستان به ایران، و در پی گسترش رفتار غیر انسانی دولتهای فاشیستی ترکیه و پاکستان نسبت به پناهندگان ایرانی، پلیس رژیم ضیاالحق روز چهارشنبه ۱۷ دیماه به چندین هتل و اقامتگاه پناهندگان ایرانی در شهر کراچی یورش آورده و نزدیک به صد تن از پناهندگان را دستگیر و زندانی نمود. در اعتراض به این اعمال فاشیستی پلیس پاکستان قریب ۴۰۰ تن از ایرانیان که در بین آنها عده‌ای زن و کودک نیز حضور داشتند، در مقابل دفتر امور پناهندگان سازمان ملل در کراچی دست به تحصن زدند. متحصنین در اعتراض به یورش پلیس پاکستان به ایرانیان و بی‌اعتنایی

۱- پذیرش تمام آوارگانی که تازه وارد پاکستان می‌شوند و آنهائیکه تقاضای پناهندگی‌شان توسط دفتر امور پناهندگان سازمان ملل رد شده است.

۲- تضمین امنیت جانی پناهندگان از طریق رسیت یافتن حق پناهندگی آنها توسط دولت پاکستان.

۳- برداخت مجدد کمک هزینه و دیگر خدمات قطع شده تعدادی از پناهندگان توسط دفتر امور پناهندگان سازمان ملل.

بقیه در صفحه ۲

چندی پس از سفر صاحب زاده یعقوب خان وزیر امور خارجه پاکستان به ایران، و در پی گسترش رفتار غیر انسانی دولتهای فاشیستی ترکیه و پاکستان نسبت به پناهندگان ایرانی، پلیس رژیم ضیاالحق روز چهارشنبه ۱۷ دیماه به چندین هتل و اقامتگاه پناهندگان ایرانی در شهر کراچی یورش آورده و نزدیک به صد تن از پناهندگان را دستگیر و زندانی نمود. در اعتراض به این اعمال فاشیستی پلیس پاکستان قریب ۴۰۰ تن از ایرانیان که در بین آنها عده‌ای زن و کودک نیز حضور داشتند، در مقابل دفتر امور پناهندگان سازمان ملل در کراچی دست به تحصن زدند. متحصنین در اعتراض به یورش پلیس پاکستان به ایرانیان و بی‌اعتنایی

AKSARIYAT
NO. 145
MONDAY FEB 16, 87
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

از همه رفقا و دوستانی که با نشریه "اکثريت" مکاتبه می‌کنند تقاضا داریم در هنگام نوشتن نشانی نشریه تنها آنچه را که ما زیر عنوان آدرس آورده‌ایم در پشت پاکت لید کنند و از نوشتن عنوان "اکثريت" و یا هر عنوان دیگری به لاین مطلقاً خودداری ورزند.

مرگت بسر امپسریالیسم جهانی به سرگردگی امپسریالیسم آمریکا!